

قزوین و اطراف آنرا یک نفر حق بدهند اگر مصلحتی این باشد که جمعیت قزوین و اطراف صد هزار نفر نباشد گمان هم میکند با اطراف که منتهی باین بلوکات و حوزها میشود کمتر از صد هزار نفر نباشد و در صورتی هم که چیزی کمتر باشد نظر با همیت شهر قزوین و بهمان ملاحظاتی که تبریز را بست و هفت نفر حق داده اند باید قزوین یک نفر حق بدهند حالا در خصوص طهران که پای تخت است حرفی ندارم ولی شهرهای دیگر را میتوانم مقایسه کنیم مثلا تبریز را چنانکه عرض شد اگر بملاحظه جمعیت شهر تبریز باشد جمعیت آن منتهی بالغ بر سیصد هزار نفر باشد بایستی سه نفر نماینده بخود شهر نوشته شده باشد پس اینکه آنجا را هفت نفر نماینده نوشته اند شاید بملاحظه اجمیت شهر است به همین ملاحظه هم شده عرض میکنم که تنها قزوین و اطراف را باید یک نفر حق بدهند دیگر اینکه طارم سفلی را از قلم انداخته اند و حال اینکه در انتخابات گذشته جزء قزوین بوده و از طارم سفلی در درجه اول یک نفر نماینده منتخب شد از اینجهت در توابع قزوین بنده پیشنهاد میکنم که طارم سفلی را اضافه کنند و با طالقان الموت و رودبار که یک نفر نماینده با آنها حق داده شود و خرقان و افشار یک نفر و بلوک زهرام یک نفر حق داده شود که سه نفر که بقزوین و مضافات نماینده حق داده باشیم به همین ترتیبی که عرض شد که طارم سفلی هم ضمیمه قزوین شود و همینطور هم پیشنهادی عرض کرده ام

محمد هاشم میرزا - اینکه آقای ادیب التجار فرمودند که شهرها اضافه شده است این فقط متعلق بضرهان است نه سایر جاها برای تبریز هم هفت نفر نوشته شده است اول خود شهر تبریز تنها نیست حدود اطراف شهر هم هست بملازمه نوز که این مسئله را مجلس قبول نکرده است فقط کمیسیون این تقسیم را کرده است و باین ترتیب دو نفر وکیل برای قزوین و اطراف گمان نمیکنم کم باشد بجهت اینکه آنقدرها جمعیت ندارد

آقا میرزا احمد - اولاً این اشکال آقای ادیب التجار بجای نبود بکمیسیون بود برای اینکه او این ترتیب را معین کرده است تا بقزوین با این مضافاتی که دارد و مثل الموت و رودبار طالقان خرقان و بیش از سیصد هزار نفر جمعیت دارد اگر انتخاب هر وکیل از صد هزار نفر یک نفر است که قزوین باید کلیه سه نفر وکیل داشته باشد از اینجهت بنده هم موافق با پیشنهاد آقای ادیب التجار که سه نفر باید حق داد بقزوین

آقا شیخ ابراهیم - اولاً در خصوص قزوین اگر بنا باشد اینقدر مذاکرات بشود همینطور در سایر جاها این مذاکرات بعینه بنده خیلی مفصل خواهد بود اما طارم سفلی بمناسبت اینکه با خسه مناسبت دارد و سابق هم جزء او بوده است این را از بابت این تغییر داده اند روی آن گذاشتند که یک مقدار از قزوین کمتر شده است و سه نفر بخسه حق داده اند و اینهم که خسه سه نفر نماینده حق داشته باشد در صورتیکه طارم سفلی هم روی آن باشد و قزوین دو نفر این چنین مناسب است و چون جمعیت مملکت ما احصایه ندارد و فقط این یک نظری است

که از رو تخمین با کمال دقت نموده اند و با این ترتیب گذرانیده اند که مناسب داشته باشد و بعینه بنده این ترتیبی که گذارده شده است بهترین ترتیبی است که بازم اگر آقایان غیر از این ملاحظاتی دارند ممکن است بیایند در کمیسیون اطلاعات و نظرات خودشان را بگویند که قبل از شور دویم اصلاح بشود

رئیس - مذاکرات گویا کافی است (گفتند کافی است) (اصلاح آقای ادیب التجار بمبارت ذیل قرائت شد)

بنده حوزهای انتخابیه راجع بقزوین و مضافات را بترتیب ذیل پیشنهاد میکنم قزوین و اطراف و طارم یک نفر طالقان الموت رودبار یک نفر خرقان و افشار ویشکوه یک نفر

رئیس - فرستاده میشود بکمیسیون محل انجمن جزء قزوین طالقان الموت

رئیس - مخالفی هست در این باب (اظهاری شد) محل انجمن مرکزی قزوین

رئیس - مخالفی نیست (اظهاری شد) خرقان افشار بکشلو و بلوک زهرام یک نفر

رئیس - در این باب که یک نفر وکیل باین نقاط مذکور داده شود مخالفی هست (اظهاری شد) محل انجمن جزء حکومت نشین خرقان سیاه دهن نایب - الحکومه نشین بلوک زهرام

رئیس - مخالفی هست در این باب

ادیب التجار - چون افشار بکشلو و خرقان در تحت حکمرانی یک حکومت است محل انجمن جزء نماینده عقیده ام این است که در خرقان که در محل حکومت نشین خرقان معین کند

رئیس - پیشنهاد بکنید

حاج سید ابراهیم - بنده میخواهم عرض کنم نوشته اند حکومت نشین خرقان خوب است این را اسم ببرند و معین کنند که چه نقطه است همچنین در بلوک زهرام اینها را لازم است اسم ببرند به هم و گذاشتن خوب نیست بهتر این است نقطه اش را معین کنند

ذکاء الملک - چون نظیر این مسائل زیاد است و آقایان نمایندگان ممکن است نظراتی داشته باشند مذاکره کردن در این باب لازم نیست و پیشنهاد بکنند در کمیسیون مذاکره خواهد شد محل انجمن مرکزی قزوین

رئیس - مخالفی نیست (اظهاری شد) (ترتیب حوزہ بندی هم و توابع بترتیب ذیل قرائت شد) هم و توابع یک نفر

رئیس - مخالفی هست ؟

آقا میرزا ابراهیم قمی - چون مرکز بلوک قزوین نایب الحکومه نشین او هم جاست است و از طرف شهرها تا حوزہ شهر هم ده فرسخ ۷ فرسخ بعد مسافت دارد بهتر این است که محل انجمن جزء را حسب قرار بدهند و همینطور هم پیشنهادی عرض کرده ام

رئیس - پیشنهاد آقای آقا میرزا ابراهیم قمی قرائت میشود (بمبارت ذیل قرائت شد) چون مرکز نایب الحکومه نشین هم جاست است و از اردهان و دهات اطراف هم بعد مسافت است بنده پیشنهاد میکنم

که محل انجمن جزء را بجایست قرار بدهند گمراکز بلوک است

رئیس - فرستاده میشود بکمیسیون محل انجمن مرکزی قم

رئیس - مخالفی نیست (اظهاری شد) (ترتیب حوزہ بندی سنان و دامغان بمبارت ذیل خوانده شد) سنان بیابانک دامغان چندق انفر

رئیس - مخالفی هست گفتند خیر محل انجمن جزء سنان حور دامغان چندق

رئیس - کسی ایرادی ندارد (گفتند خیر) محل انجمن مرکزی سنان

رئیس - مخالفی هست در این باب (گفتند خیر) حوزہ شاهرود بطارم شاهرود بطارم بزردهن بیارجمند و خوار و توران جزء ۱ نفر

رئیس - مخالفی هست در این باب (گفتند خیر) محل انجمن جزء شاهرود بطارم بزردهن حالیه خوردی حرومه

رئیس - مخالفی هست در این باب (گفتند خیر) محل انجمن مرکزی شاهرود

رئیس - مخالفی نیست (اظهاری شد) (ترتیب حوزہ بندی استرآباد بقرار ذیل خوانده شد) استرآباد بندر جز - ۱ نفر

رئیس - مخالفی هست در این باب (گفتند خیر) انجمن جزء استرآباد بندر جز

رئیس - مخالفی هست - اظهاری نشد - انجمن مرکزی استرآباد

رئیس - مخالفی هست (ترتیب حوزہ بندی کمره و محلات بمبارت ذیل قرائت شد) محلات کمره سایر البلوک انفر

لواء الدوله - عرض کنم گمراهی در آن جلسه عرض کردم که تقریباً هفتاد هزار نفر جمعیت دارد و سابقاً یک نفر نماینده داشت محلات هم همینطور گلبایگان و خونسار هم حق یک نفر وکیل داشت از اینجهت بعینه بنده خوبست همان مثل سابق عمل شود و اگر هم نایب حکومت باشد حکومت کمره با محلات سوا است یعنی دو حکومت دارد همینطور سایر البلوک علیحدہ حکومت دارد حق یک نفر نماینده دارند گلبایگان هم اگر چه در تحت حکومت آنها است ولی این جزء بودن را هم نمیشود سندی قرار داد برای اینکه این جز شدن مانع از این مطلب نمیشود بنده یک پیشنهادی در اینخصوص کرده ام بنظر آقایان خواهد رسید محل انجمن جزء - محلات - خمین سایر البلوک بتعین حکومت

رئیس - مخالفی در این باب نیست

لواء الدوله - این در سایر البلوک که بتعین حکومت شد آنوقت اختیار با حاکم میشود و در تمام نقاط اختیار با ما داریم بجا که نداریم سزاوار نیست که اختیار اینجا را بجا حاکم بدهند حالا در تعیین محل انجمن جزء سایر البلوک آقای آقا شیخ اسدالله اطلاع بیشتر دارند اگر ایشان تعیین کنند بهتر است

ذکاء الملک - اینکه فرمودند محل انجمن جزء سایر البلوک معین نشده است بجهت این است که در کمیسیون که خواستیم محل انجمن جزء را تعیین بکنیم یکجائی بنظرمان نرسید که بتوانیم ترجیح بدهیم و آنجا را محل قرار بدهیم از برای انجمن جزء

این بود که واگذار بحکومت کردیم و هر جائی که بنظر او ترجیح داشته باشد اینجا را قرار بدهد نظیر این هم در اینجا زیاد است که بتعین حکومت گذاشته ایم

حاج سید ابراهیم - بنده مقصودم این بود هر جائی را که نمیتوانند محل انجمن جزوش را معین بکنند خوب است بتعین انجمن نظارت مرکزی واگذار بکنند تا بتعین حکومت

رئیس - کتباً پیشنهاد بکنید محل انجمن مرکزی - محلات

رئیس - مخالفی نیست

حاج عز الملک - با آن نظریکه در تعیین انجمن مرکزی مادامتیم که هر جا محل حکومت است یک انجمن مرکزی داشته باشد یعنی کلیه یک نقطه باشد که نسبت بسایر جاها متابعت داشته باشد مناسب میشود که انجمن مرکزی کمره با محلات قرار بدهند بنده پیشنهاد کرده ام که گلبایگان باشد یا اگر محلات را یک قسمت مستقلی گمان نمیکنند خوب است آنرا که جزء اصفهان یا جای دیگر قرار بدهند

حاج شیخ اسدالله - بنده مناسبت محلات را با اصفهان نمیفهمم بجهت اینکه سه حاکم نشین بین آنجا و اصفهان فاصله است که چهل فرسخ راه است حالا اگر عده نفوسش بنادازه یک نفر نماینده نباشد او را حرف ندارم ولی در هر صورت خودش یک محل مستقلی است و ادارات مستقل هم دارد و نماینده دولت برای ادارات او از مرکز میروند حتی در داشتن انجمن هم مذاکره کردند و کمیسیون داخله هم یک حقی از این بابت که آنجا استقلال داشت منظور نمود جزء گلبایگان قرار دادند هم نمیدانم بجهت مناسبت است اگر میخواهید تسهیلی در انتخابات آنجا کرده باشید خوبست یک نقطه دیگر را بآنجا ضمیمه کنید و حق یک نماینده بآنجا بدهید و مرکز هم خود محلات باشد چون خودش حاکم مستقل دارد و جزء جای دیگر نیست

رئیس - دو فقره پیشنهاد شده است قرائت میشود (بترتیب ذیل قرائت شد) از طرف آقای حاجی عز الملک بواسطه اینکه کمره و سایر البلوک جزء گلبایگان نموده بنده پیشنهاد میکنم که مرکز انتخابیه محل انجمن مرکزی کمره و محلات و سایر البلوک نیز گلبایگان شود (از طرف آقای لواء الدوله بمبارت ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که از محل ذیل بطریق ذیل نماینده انتخاب شود گلبایگان یک نفر خونسار یک نفر کمره یک نفر - محلات و سایر البلوک یک نفر

رئیس - فرستاده میشود بکمیسیون حوزہ بندی گلبایگان و خونسار و گلبایگان خونسار یک نفر

رئیس - مخالفی هست ؟

لواء الدوله - عرض کنم گلبایگان در سابق یک نفر نماینده داشته است و با خونسار هفتاد هزار نفر هم جمعیت بیشتر باید داشته باشد حالا این چهار جا دو نفر نماینده دارد یعنی پنج نقطه محلات و کمره و سایر البلوک گلبایگان و خونسار دو نفر نماینده معین شده و این تقریباً برای یک جمعیت دو صد هزار نفری خیلی کم است برای اینکه بتعین انتخابات لابد باید

هفتاد هزار باشد و اینکه هر چند هزار نفری یک وکیل میگویند داشته باشد آن دفعه هم بنده عرض کردم که ما ما هر ده هزار نفری یک وکیل میخواهیم اگر چه یک داغ دل بس است برای قبیله محل انجمن جزء خونسار - گلبایگان

رئیس - مخالفی هست در این باب (گفتند خیر) محل انجمن مرکزی گلبایگان رئیس مخالفی هست

لواء الدوله - عرض میکنم باید محل انجمن مرکزی گلبایگان درخود گلبایگان باشد و انجمن مرکزی خونسار هم درخونسار باشد بجهت اینکه ما رای دادیم که انتخابات مستقیم باشد دو درجه نباشد حالا میبینم که باز دو درجه شده و غیر مستقیم است مستقیم این است که از خود محل انتخاب میشود میروند پس کر نه اینکه از آنجا برود بمحل دیگر (ترتیب حوزہ بندی عراق بقرار ذیل خوانده شد)

سلطان آباد دوار خو فراهان مشک آباد ۱ نفر

رئیس - در این باب مخالفی نیست (گفتند خیر) محل انجمن جزء سلطان آباد زلف آباد فراهان - مشک آباد

حاج عز الملک - بنده پیشنهاد کرده ام راجع بمشک آباد و غیره قرائت شود مشک آباد بلوک است و مرکزش ابراهیم آباد می باشد بهترین است که ابراهیم آباد نوشته شود

رئیس - پیشنهادی را که کرده ایم میفرستیم بکمیسیون محل انجمن مرکزی سلطان آباد

رئیس - مخالفی هست (گفتند خیر) کراز - قره کهریز - سره بند - سده یک نفر

رئیس - مخالفی هست در این باب (اظهاری شد) محل انجمن جزء کراز سره بند کوه رود

حاج شیخ اسدالله - اینهم همان مطلبی است که فرمودند کراز یک بلوکی است مفصل یک محل معینی را که وسط باشد باید انجمن جزء اش را قرار داد

رئیس - پیشنهاد میکنم میفرستیم بکمیسیون - محل انجمن مرکزی سلطان آباد

حاج سید ابراهیم - در انجمن مرکزی همان اشکال سابق باز پیش میاید بجهت اینکه محل انجمن جزء را جای دیگر و انجمن مرکزی را جای دیگر قرار دادن صحیح نیست و مرکز انتخابات حوزہ کراز و قره کهریز و غیره را سلطان آباد قرار دادن باینکه یک نفر وکیل بآنجا بماند و مستقیماً داده اند صحیح نیست تفرش آشتیان - گرگان را (حوزہ تفرش - زچلو درفسی - خلجستان رود بار انفر

رئیس - مخالفی هست در این باب (اظهاری شد) محل انجمن تفرش - آشتیان - گرگان - چناب - کمیزان - دستجرد

رئیس - مخالفی هست در اینخصوص (اظهاری نشد) محل انجمن مرکزی سلطان آباد رئیس مخالفی هست (گفتند خیر)

رئیس - عده نمایندگان عراق کلیه سه نفر مخالفی هست (مخالفی نبود) زنجان و حومه حوزہ خسه طارم علیا و سفلی طارم سفلی ۱ نفر

ادیب التجار - طارم سفلی بایستی با قزوین سرانجام تا با خسه که آقای زنجان فرمودند اینها بنده اینجام مخالفم که طارم سفلی ضمیمه زنجان باشد و ضمیمه قزوین نباشد

حکو متش هم دخلی بزنجان ندارد محل انجمن جزء زنجان طارم علیا در رام - سردان

رئیس - مخالفی نیست (اظهاری شد) محل انجمن مرکزی زنجان

رئیس - مخالفی نیست (اظهاری شد) حوزہ سلطانیه - اهر رود - زنجان رود ۱ نفر

آقا میرزا احمد - جمعیت سلطانیه و اهر رود پنجاه هزار نفر نمیشود نمیدانم بجهت ملاحظه است که یک نفر وکیل بآنجا حق داده اند - محل انجمن جزء سلطانیه - قرابو - سجاس - خوئین

رئیس - مخالفی هست در این باب

آقا میرزا احمد - جواب سؤال بنده را ندادند

رئیس - اگر جواب میخواهند میدادند وقتی که جواب نمیدهند یا جواب ندارد یا اینکه اهمیتی بآن نمیدهند محل انجمن مرکزی - زنجان

رئیس - مخالفی نیست (اظهاری شد) سجاس - رود ایل - افشار - بلوک غربی و ایلات دوزک ۱ نفر

رئیس - مخالفی نیست (اظهاری شد) محل انجمن جزء - سجاس - خوئین محل انجمن مرکزی زنجان

رئیس - مخالفی نیست (اظهاری شد)

رئیس - عده نمایندگان آنجا سه نفر مخالفی نیست (اظهاری شد) (ترتیب حوزہ بندی کرمانشاه) کرمانشاه - ماهی دشت - هرسین - چچمال - خالصه جات و میان دربند ۱ نفر

آقا سید حسین گزازی - این تقسیم خیلی بی مناسب شده است برای کرمانشاه و ماهی دشت و هرسین و چچمال و میان دربند خالصه جات چون عده اینها بیش از آنها است باید دو نفر وکیل حق بدهند که سقر و کلبائی (یک نفر) از ماهی دشت ناقص شیرین هم یک نفر اینجا بد تقسیم شده است محل انجمن جزء - کرمانشاه رباط - هرسین - بیستون سراب نیلوفر

رئیس - مخالفی هست

عز الملک - میخواستم سؤال بکنم رباط اسم جایی است یا اینکه کاروانسرائی است از قراری که بنده تحقیق کرده ام اسم یک کاروانسرائی است که برای انجمن جزء معین کرده اند

لواء الدوله - خود کرمانشاه یک شهر معظمی است و جمعیت او هم همینقدر هست که حق یک نفر نماینده بخود شهر بدهند اطراف او را باید علیحدہ حق بدهند

آقا سید حسین گزازی - چنانچه عرض کردم کرمانشاه و اطراف یک نفر کم است بنده چهار نفر پیشنهاد کرده ام که دو نفر برای شهر و اطراف باشد و یک نفر هم برای ایلات از ماهی دشت ناقص شیرین و یک نفر هم از بیستون تاسقر و کلبائی و دیگر رباط را که آقای معز الملک سؤال کردند کاروانسرائی است ولی حکومت نشین ساکنین آنجا است محل انجمن مرکزی - کرمانشاه

رئیس - مخالفی در محل انجمن مرکزی نیست (اظهاری شد)

کلهر انتخابی کوران هارون آباد زهاب و اطراف قصر و اطراف یک نفر

عز الملک - برای کرمانشاه مادر کمیسیون هم چهار نفر رای دادیم و در اینجا تقسیم هم غلط شده

است بهترین است که آقای مضر تقاضا کنند بر کردد بکمیسیون و درست تقسیم بشود .

ذکاءالملک - پیشنهاد هم که شده است برگردد بکمیسیون .

رئیس - پس مذاکره نشود .

ذکاءالملک - خیر برگردد بکمیسیون تا اصلاح شود .

رئیس - مابقی این قانون میماند برای جلسه آتی راپورت کمیسیون بود چه راجع بوزیر عبدالملکی مجاهد خوانده میشود (بعبارت ذیل قرائت شد) لایحه وزارت در خصوص وراثت عبدالملکی مجاهد مطرح مذاکره گردید نظر باستحقاق و رعایت مال وراثت عبدالملکی مجاهد که در راه آزادی متول شده کمیسیون بودجه با اکثریت آراء بمطابق پیشنهاد وزارت عالی به پانزده ساله ماهی ده تومان در باره وراثت عبدالملکی مجاهد برقرار میشود .

ماده - ماهی ده تومان پانزده ساله وراثت قانونی عبدالملکی مجاهد داده میشود .

رئیس - مخالفی نیست در این باب .

افتخار الواعظین - بنده فقط شوال میگویم از مضر کمیسیون بودجه که آیات تحقیق کرده اند که وراثت قانونی آن چند نفر هستند و بجه شکل بین آنها تقسیم میشود اگر تحقیق شده است خوب است توضیح بدهند .

حاج عز الزمالمالك - مدرک این راپورت ها اغلب همان لایحه وزارت ماله است حالا چند نفر وراثت هستند کمیسیون همچنین اطلاعی ندارد .

رئیس - رای میگیریم باین ماده واحده بکرتبه دیگر هم قرائت میشود (مجدداً قرائت شد) .

رئیس - آقایان بیکه تصویب میکنند ماهی ده تومان باین ترتیب بوزنه قانونی عبدالملکی مجاهد داده شود و رقه سفید خواهند داد و آنها بیکه مخالفند و رقه سیاه .

(اوراق رای اخذ شده آقای حاج بهرزار شاخان بقراردیل استخراج نمود) و رقه سفید علامت قبول (۴۶) و رقه آبی علامت رد (۱) .

رئیس - با اکثریت (۴۶) رای از (۷۶) نفر نمایندگان حاضر تصویب شد مدتی است بعضی مطالب بکمیسیون مبتکرات رجوع شده است هنوز راپورت نداده اند تقاضا میکنم که کمیسیون مبتکرات هرچه زودتر منعقد شود و راپورت آن مطالب را بدهند آقایان آقای میرزا رضاخان و آقای محمد کاز کمیسیون فوائد عامه استعفاء داده بودند آقایان علیزاده و سیدالاعطیاء بعضوت کمیسیون فوائد عامه عرض آنها انتخاب شدند دستور جلسه آتی از این قرار است بقیه قانون انتخابات راپورت کمیسیون بودجه راجع بوزنه فتح الله خان مجاهد در دستور مخالفی هست .

افتخار الواعظین - راپورت کمیسیون بودجه راجع بوزنه مرحوم وکیل التجار مدنی است مابین آقایان نمایندگان تقسیم شده است و بنده اطلاع دارم که بکسان مرحوم افتخار سخت میگردد و مخصوصاً این مبلغی را که کمیسیون بودجه تصویب کرده است برای مصارف تعلیم اولادش است بنده تقاضا میکنم که این راپورت کمیسیون بودجه هم در جزء دستور جلسه آتی گذارده شود که تکالیف و رتبه آن مرحوم معلوم شود .

رئیس - اگر مخالفی نباشد این جزء دستور جلسه آتی گذارده میشود (مخالفی نبود) .

ناصر الاسلام - چون اشخاصی را که فرمودید از کمیسیون فوائد عامه استعفاء داده اند بنده هم مدتی است که استعفاء داده ام عرض بنده را هم انتخاب بفرمائید .

رئیس - در جلسه آتی اعلام میکنم که انتخاب کنند دیگر در دستور مخالفی نیست (اظهاری نشد) (مجلس دودقیقه بعد از ظهر ختم گردید) .

جلسه ۲۸۵
صورت مشروح روز پنجشنبه ۲۲ شهر شعبان ۱۳۲۹

آقای رئیس سه ساعت قبل از ظهر بجای خود جلوس نمودند و پس از ده دقیقه مجلس افتتاح گردید صورت مجلس روز سه شنبه ۲۰ را اسدالله خان کردستانی قرائت نمودند ثانیین جلسه قبل غائب بدون اجازه : میرزا اسدالله خان کردستانی غائبین با اجازه سلیمان میرزا - نجم آبادی آقایانی که از وقت مقرر تأخیر نمودند آقای میرزا احمد - آقا شایخ رضاشیبانی - دکتر لقمان ۵ دقیقه متین السلطنه - آقا شیخ حسین یزدی - آقا میرزا رضای مستوفی نیم ساعت معزز الملک نیر السلطنه یک ساعت آقای مدرس حاج امام جمعه - آقا میرزا ابراهیم قمی ۱۰ ساعت و ده دقیقه دکتر حبیب میرزا یک ساعت ۳۵ دقیقه .

رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی هست

حاج آقا - بنده در حوزة بندهها آنصوری که در صورت مجلس نوشته شده مخالف نبودم که مجلس نیاید ویا وزیر داخله باشد یعنی نگفتم که بنظر وزیر داخله واگذار کنیم زیرا همان محظوری که هست باز باقی خواهد بود بنده عرض کردم وقتی که میزان را صد هزار نفر فرار بدهیم در انتخابات و این رای قانونی بکنیم و بعنوان قانون از مجلس بگذرانیم باینکه قرار دادیم این میزان را که شرط بکنند درش که اگر هم زیاد شد بجهان مقداری که زیادتر شد بجهان مقدار حق انتخاب داشته باشند نه اینکه باز همان بکنند باشد .

آقا میرزا احمد - بنده راجع بجزوه بندی قزوین عرض کرده عده کم است نگفتم عده زیاد است .

حاج عز الزمالمالك - راجع بجزوه بندی عراق بنده اظهاری کرده بودم در صورت مجلس اظهار نشده است .

رئیس - این سه فقره اصلاح میشود دیگر اعتراضی نیست؟ (اظهاری نشد) .

رئیس - صورت مجلس تصویب شد قانون انتخابات .

(حوزه انتخابیه آذربایجان) تبریز و اطراف آن ۷ نفر

رئیس - مخالفی هست .

حاج شیخعلی خراسانی - بنده هم با عده نمایندگان آذربایجان مخالفم هم با عده شهر تبریز و اطراف آن این هفت نفری که معین کرده اند مسال هفتصد هزار جمعیت است تبریز منتهی جمعیتی را که بشود تعیین بکنیم سیصد هزار نفر خواهد بود اطرافش هم اگر صد هزار نفر داشته

باشد و بدهات تبریز هم حق انتخاب نماینده داده اند آن وقت جائی باقی نمیماند که جزء تبریز باشد اگر از حیث عدد ملاحظه کرده باشند این است که عرض کردم و اگر از حیث اهمیت است که اکثر نقاط اهمیت دارند خوب است که برای هر صد هزار نفر یک نماینده قرار بدهیم باینکه بگویند از پنجاه هزار تا شصت هزار نفر یک نماینده بدهند آقای مضر توضیح اینرا بفرمائید .

آقا سید حسین اردبیلی - این مسئله تا درجه معلوم شد که فقط نقطه نظر کمیسیون بنده نفوس نیست علاوه بر عده نفوس بعضی چیزها هم ملحوظ است چنانچه در خصوص طهران مسلم است که فقط عده نفوس منظور نبود که آن عده ده نفر تصویب شد بلکه نظر باهیتی که داشت وجهات دیگر که لازم بود منظور شد وقتی که آن نقطه نظر را ملاحظه کنیم در تبریز هم عیناً همان جهات هست نباید فراموش کرد که تبریز در واقع نسانی اثنین تهران واقع است همه جا در داخل و خارج تبریز را بیک نظر اهمیت نگاه میکنند و اهمیت هم دارد در وقت انتخابات هم انجمن ایالتی آذربایجان را نسانی اثنین و ناسی مرتبه مجلس شورای ملی فرض میکردند و همان انتظار های بزرگ که از چنان نقطه معظم داشتند در آن موقع مهم تمام دنیا نشان دادند و حالا گمان میکنم که اگر فقط عده را ملاحظه کنیم باید ملاحظه عدد نفوس تهران را هم کرد و اگر همان جهت اهمیت را در نظر بگیریم تبریز و اطرافش را (۷) نفر زیاد نیست همین اندازه که نوشته شده است بمناسبت نزدیکی است و شاید عده هفتصد هزار نفر نباشد ولی آن طوری هم که آقای حاج شیخعلی فرمودند سیصد هزار نفر نیست بکنند قبلی از هفتصد هزار نفر کمتر است و اگر از میزان عده بکنند زیادتر شده باشد آنگاه بنظر بنده شاید بیش از یک نفر زیاد نباشد و این زیادتی هم در صورتیکه مجلس علاوه بر عده نفوس اهمیت محلی را در نظر بگیرد چنانچه در خصوص شهر طهران ملاحظه کرده جای انکار نخواهد بود و اگر فقط عده نفوس منظور بشود چنانچه حقیقتش هم این ترجیح در اینصورت هم چون معلوم هست که عده نفوس تبریز و توابع تاجه اندازه از هفتصد هزار کمتر است لذا از هفت نفر کمتر را بنده تصدیق نمیکنم .

افتخار الواعظین - اولاً آقایان بدانند بنده که مخالف هستم با عده نمایندگان منحصر بآذربایجان نیست با عده نمایندگان فارس هم مخالفم با خود خراسان هم مخالفم و اما بعضی از آقایان که نظر باهیت میفرمایند در موقع گذاردن قانون و در مقابل حقوق ملی تمام افراد باید یکدیگر مساوی هستند و هیچکس برتری بردیگری ندارد پس بنده اهمیت موقع را جداً تکدی میکنم و عرض میکنم که باید اینجا نشست و بملت ایران از دوی يك ماخذ صحیح حقوق داد یا باید گفت که صد و پنجاه هزار نفر حق بکنند دارند و در موقع تقسیم هم نباید فرق گذاشت آن کسیکه در اقصای پوشه و سیستان نشسته است با آن کسیکه رجحان و اهمیت ندارد و بنده از آقایان شوال میکنم که ۲۵ نفر وکیل

باید سه نقطه و بیک محلی داد که پنج کرور نفوس داشته باشد و من شوال میکنم اگر آقایان واقفاً تصدیق دارند که پنج کرور نفوس در آذربایجان هست البته باید ۲۵ نفر وکیل داشته باشد و اگر چنانچه میفرمائید که دارای پنج کرور جمعیت نیست و اینهم باینکه بنده بگویم نیست و دیگران بگویند هست نمیشود بجهت اینکه راست است مملکت ما سرشماری نداشته است عده نفوس معلوم نیست ولی یکصد و پنجاه نفر مردم هست و تخمین زده اند و یک چیزی معین کرده اند و آن عددی که معین شده گویا بیشتر متفق اند در ۱۲ میلیون که ۲۴ کرور باشد و شش ۲۴ کرور ۱۲۰ وکیل باید بدهد و از روی عدالت و تساوی این (۱۲۰) نفر را باید تقسیم بکنند بدون ملاحظه بر تمام ممالک ایران بدون نظر اینکه فلانجا اهمیت ندارد و بنده بایست و بیخبر وکیل برای آذربایجان جداً مخالفم با (۱۶) نفر برای خراسان هم جداً مخالفم .

مهین الرعایا - جلسه سه شنبه مکرر گفته شد که برای هر صد هزار نفر بکنند وکیل داده میشود و بنده هیچ مجال برای این مخالفتها نمیبینم شهر تبریز را که میفرمائید عرض میکنم که نظر بجغرافیای قدیم سیصد هزار جمعیت داشته است چندین سال قبل از این و حالا تقریباً یکصدی پانزده علاوه شده است اطراف هم اگر درست ملاحظه بفرمائید اطراف تبریز که از چهار فرسخ تا چهار فرسخ تابع تبریز است یقیناً اگر آنها را باشهر تبریز ملاحظه بفرمائید محقق بشود که هفتصد هزار جمعیت دارد باز هم ما اصرار نداریم که حکماً باید هفت نفر وکیل بدهند این را خوب است آقایان نمایندگان تحقیق کنند بفرموده در صورتی که شهر تبریز و اطرافش دارای هفتصد هزار نفر جمعیت باشد این عده وکیل را باید بدهد و الا ندمند اما طوری باشد که حقوق حقه آنها پایمال نشود .

حاج آقا - بنده تمام این عرایض که در این مواد میکنم باز راجع میشود بکلیات همان طور که گفته شده اگر مینوایستیم ماخذ عده نفوس را يك چیز دیگر قرار بدهیم و اهمیت موقع خدمت را در نظر میباشیم بنده هم تصدیق میکنم که موقع آذربایجان یکی از موافق خیلی مهمه و انتظار ایران شهر تبریز است و هیچکس نمیتواند افتخار را تکدی بکنند و از آن جهت حق زیادتر وکیل داشتن از سایر جاها را دارند بجهت اینکه احدی از ایرانیان این افتخار را نمیتواند انکار بکنند و بنده برخلاف بعضی از آقایان کهنه و کلاه راز با دلازم نمیدانند بنده برخلاف عرض میکنم ماخذ را صد هزار نفر قرار بدهیم ولی بدویست نفر هم برسد عیب ندارد ولی باید ماخذ داشته باشد مثلاً صد هزار نفری بکنند همان طور که گفته شد آنوقت باید ببینیم واقفاً نفوس تبریز و اطراف هفتصد هزار نفر هست یا نیست اگر هست که باید آن عده را داد بواسطه اینکه مطابق همان ماخذ است و اگر مطابق ماخذ نباشد چون ماخذ صد هزار نفر قرار داده ایم باید از همان قرار رفتار شود چون ماخذ عده نفوس معین شد از این جهت ۷ نفر را برای سیصد هزار را ۵۰۰ هزار نفر بنده تصویب نمیکنم و همچنین بنده تصور میکنم که در این رشته

صحبت کردن از ایالات و ولایات زمین یک طرفش باشد و من خدا میداند که در این گفتگو ابتدا نظر بقاروس و خراسان و آذربایجان ندارم فقط ملاحظه عده ملاحظه میزان یعنی ملاحظه ماخذ را باید کرد و این عده ابتدا مطابق میزان نیست نه آذربایجان مطابق میزان است نه فارس و نه خراسان هیچکدام مطابق میزان نیست باید بکثوری کرد نه از این چیزیکه ما ماخذ گرفتیم بلکه یک ترتیب دیگر بتلگرافات از حکام یا طور دیگر میزان عده امروزی را بدست بیاورند و ملتفت بشوند و تصور نکنیم که هیچکدام از این جغرافیایک که در دست داریم نوشته باشند که تبریز و اطرافش هفتصد هزار نفر جمعیت داشته باشد و من چون این عده را صحیح نمیدانم برای این مقدار از این جهت ۷ نفر را برای شهر تبریز و اطراف زیاد میدانم .

رئیس - مذاکرات کافی نیست (گفتند کافی است)

(پیشنهادی از طرف آقای حاج سید ابراهیم عبارت ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که عده نماینده شهر تبریز نظر بنده نفوس هر صد هزار نفر یک نفر تعیین شود .

رئیس - فرستاده میشود بکمیسیون محل انجمن جزء تبریز .

رئیس - مخالفی هست (اظهاری نشد) محل انجمن مرکزی - تبریز .

رئیس - مخالفی نیست (گفتند خیر) محل ارواق و انزاب - یکنفر .

رئیس - مخالفی هست .

حاج امام جمعه - دو عده و کلابطوری که مذاکره میکردند بنده عرضی ندارم لکن حوزه بندی آذربایجان خیلی بی ترتیب شده بطوری بی ترتیب شده است که اگر این ترتیب را ببرند آنجا محل مسخره خواهد شد ارواق و انزاب این دو جایست که بیشتر از ۲۵-۳۰ پارچه ده نیستند و ده هزار نفوس محققاً ندارد یک نفر وکیل بآنجا داده اند و هکذا خیلی جاها اینطور ملاحظه کرداند و در مقابل بعضی ولایات خیلی معتبر آذربایجان را که خیلی مهم است مثل اردبیل و لاقل چهارصد پارچه ده دارد و خودش هم اول شهر آذربایجان است او را هم بکنند نوشته اند این خیلی بی ترتیب شده است

سید الاعطیاء - بنده بایستی عرض کنم چون اعضاء کمیسیون هستم این حوزه بندیها را که کردیم غالب آقایان و نمایندگان که اهل آذربایجان و آنجاها بوده اند حاضر نموده ایم و آنرا این اظهارات را کرده اند هر طوری که اظهار داشته اند همان طور حوزه بندی شده است و میتوانم عرض کنم که اعضاء کمیسیون اطلاعاتی در این خصوص نداشته اند و هیچ مخالفتی هم نیست و اگر خود آقای حاج امام جمعه در کمیسیون تشریف بیاورند آنجا اظهار بدارند هر طور صلاح بدانند نوشته میشود .

آقا شیخ محمد خیابانی - بنده از این فرمایشی که آقای حاج امام جمعه فرمودند که بی ترتیب حوزه بندی شده است این را تصدیق دارم که درست حوزه بندی نشده است لکن راجع بارواق و انزاب خیلی تمجب کردم که فرمودند عده آنها

کم است و حال اینکه خیلی بیش از اینها است بنده عقیده ام این بود که بارواق يك نماینده داده شود و با انزاب هم یک نفر بواسطه اینکه خیلی وسعت دارد و در ارواق و انزاب جاهای مهم است ارواق دارای شصت است که خود آنجا دارای ده هزار جمعیت است این قبیل جاها هست که ما میدانیم مثلاً در خانه هیتوان گفت که پنج شش هزار جمعیت دارد و همچنین سایر جاها و در این انقلابات میشود گفت هزار نفر از ارواق کشته شد نمیدانم آقای حاج امام جمعه بجه ملاحظه این طور فرمودند .

مهین الرعایا - به بنده تصدیق نمیکنم که ارواق صد هزار جمعیت داشته باشد ولی آقای حاج امام جمعه که باین کمی عده آنجا را فرمودند خیلی اشتباه فرمودند ارواق و انزاب تصور میکنم که دویست پارچه ده داشته باشد و پانزده فرسخ مسافت خاک دارد حوزه بندی غیر از این طور نمیشود الا اینکه بطوری که آقای خیابانی فرمودند یکی دو نقطه جزء هم لازم است که بآنجاها داده شود که انجمن جزء داشته باشند که انجمن مرکزی او شبتر است .

رئیس - گویا مذاکرات کافی است آقای حاج امام جمعه تقاضائی کرده اند قرائت میشود رای میگیریم (تقاضای مزبور عبارت ذیل قرائت شد) .

حوزه بندی آذربایجان بی ترتیب شده است تقاضا دارم ارجاع بکمیسیون بشود .

رئیس - عرض میکنم شورا اول است میخواهید رجوع بکمیسیون شود یارای بگیریم .

حاج امام جمعه - توضیحی لازمست بندهم **رئیس** - بفرمائید .

حاج امام جمعه - گمان میکنم که این را نفهمیده و بی تحقیق عرض نکرده باشم این کتابچه دولت حاضر است که این دو جا سی پارچه ده بیشتر ندارد اگر ارواق و انزاب بیش از سی پارچه ده شد هر چه میخواهید بفرمائید .

رئیس - راجع به تقاضا فرمایشی دارید بفرمائید **حاج امام جمعه** - پس معلوم میشود که این حوزه بندی درست نشده است مثلاً سلساس ۱۸ بلوک است و چهار صد پارچه ده دارد و اطرافش دارد آنجا را بکنند نوشته اند خوی و اطراف را هم بکنند نوشته اند صوما هم یکی از بلوک آنجا است بکنند نوشته اند پس این حوزه بندی خیلی بی ترتیب است .

رئیس - حالا اصرار دارید که در این تقاضا رای بگیریم یا رجوع شود بکمیسیون .

حاج امام جمعه - اصرار ندارم پرود بکمیسیون .

محل انجمن جزء - شبتر

خیابانی - چنانچه عرض کردم يك انجمن مرکزی این دو جا داشته باشد عیب ندارد ولی چون صفحه آنجا توسعه دارد و آقای مضر هم عرض کردم لا اقل هر نقطه اش يك انجمن جزء داشته باشد بهتر است .

رئیس - دیگر مخالفی نیست (اظهاری نشد) محل انجمن مرکزی شبتر .

رئیس - مخالفی نیست (گفتند خیر) اردیل
 و اطراف آن - یکنفر .
رئیس - مخالفی هست (گفتند خیر) محل انجمن
 جزء - اردیل
رئیس - مخالفی در این باب هست (اطهاری
 (نشد) محل انجمن مرکزی - اردیل
رئیس - مخالفی نیست (اطهاری) مشکین
 و توابع - ۱ نفر
رئیس - مخالفی که نیست (گفتند خیر) -
 محل انجمن جزء - لارد (مخالفی نبود) محل انجمن
 مرکزی - لارد
رئیس - مخالفی نیست (گفتند خیر) - ایلات
 شامون - یکنفر .
رئیس - مخالفی در این باب هست ؟
بجهت - اینجا که ایلات شامون میگویند
 تنقلاً تکرار خواهد شد بجهت اینکه در آخر این
 حوزه بندیها ایلات معتبر هستند کذا ذکر میکنیم
 یکی هم ایلات شامون است زیرا پنج ایل داریم در
 ذیل نظامنامه هر کدام را يك نفر نوشته اند و این
 ایلات شامون هم یکی از آنها خواهد بود پس این
 زیادی است .
ذکاءالملک - به اشتباه شده است اصلاح
 می شود .
 (حوزه آستارا بمبارت ذیل قرائت شد) آستارا
 نین - ویل کج - آجارود - یکنفر
رئیس - مخالفی نیست (گفتند خیر) محل انجمن
 جزء - آستارا .
رئیس - مخالفی هست ؟
حاج سید ابراهیم - اینجا دو محل انجمن
 جزء معین کرده است هر دو هم آستارا است و این
 صحیح نیست ظاهراً اشتباه شده است باید اصلاح شود
 همینطور انجمن مرکزی را هم دو جا نوشته است
 هر دو نین
ذکاءالملک - صحیح است در راپورت اشتباه
 شده است نین گویا جزء انجمن های جزء باشد
 اصلاح میشود - محل انجمن مرکزی نین .
حاج سید ابراهیم - آن اصلاح را که فرمودند
 میشود فهمید گمان میکنم یکی از انجمن های جزء
 نین باشد اگر غیر از این باشد انجمن را در غیر
 نین قرار دادن صحیح نیست قراچه داغ - بدرستان
 يك نفر .
رئیس - مخالفی هست (اطهاری) (نشد)
 محل انجمن جزء اهر - (مخالفی نبود) خوی
 ما کو - یکنفر
رئیس - مخالفی هست ؟
حاج امام جمعه - بنده عرض نمودم تکرار
 میکنم این خیلی بی ترتیب شده است يك معالی که
 چهار صد یارچه ده دارد يك جایی دیگر را هم باو
 جزء میکنند ما کو خودش قصبه است پنجاه شصت
 یارچه ده دارد .
لواءالدوله - عقیده بنده این است که ما کو
 بالا نفراد يك نفر و تکمیل لازم دارد اگر چه درباره
 خود بنده ملتفت نبودم که دو جا را رای داده اند
 يك نفر حالا خوی و ما کو را که توأمأ یکنفر
 نوشته اند بنده پیشنهاد میکنم هر یکی را یکنفر
 و کبیل بکنند .

رئیس - دیگر مخالفی نیست (اطهاری) (نشد) محل
 انجمن جزء خوی - ما کو
رئیس - مخالفی نیست (مخالفی نبود) محل
 انجمن مرکزی - خوی
رئیس - مخالفی که نیست (اطهاری) (نشد) خوی
 سلسا و حوالی - یکنفر .
رئیس - مخالفی نیست (اطهاری) (نشد) -
 محل انجمن جزء سلسا (مخالفی نبود) محل انجمن
 مرکزی سلسا .
رئیس - مخالفی نیست (مخالفی نبود) ارومیه
 و حوالی - مذکور - تر کور یکنفر .
رئیس - مخالفی هست .
 دکتر سعیدالاطباء - دشت افتاده است و باید
 اضافه شود .
حاج امام جمعه - ارومیه اول شهر آذربایجان
 است افلا بیست هزار جمعیت دارد دارای اهمیت
 بلذیکی و توابع زیاد است افلا چهارصد یارچه دهات
 دارد در این معطایکه اینجا نوشته شده است در حق
 آن ها ظلم شده است اگر با آذربایجان بیست نفر و کبیل
 بدهند سه نفر بآن ها میرسد نمیدانم چرا اینطور
 نوشته شده است
دکتر سعیدالاطباء - عرض کنم بنده فدوی
 از ارومیه اطلاع دارم بجهت اینکه سه سال آن جا
 بوده ام و ارومیه را ای بیست و پنج الی سی هزار
 نفر جمعیت ندارد احصائیه آن جا هم شده است
 اطراف آنجا هم چنانچه فرمودند دهات زیاد
 زیاد است لکن بطوریکه عرض کردم بیش از هفتاد
 هزار جمعیت ندارد در اینصورت بنا بر اینکه معین
 شده است بهر صدهزار نفر یکنفر حق نماینده داده
 شود بآنجا بیش از یکنفر نمیتوان حق داد
 محل انجمن جزء - ارومیه - سوانج - سواز
رئیس - در محل انجمن جزء مخالفی هست
 (اطهاری) (نشد) محل انجمن مرکزی - ارومیه
رئیس - مخالفی هست (اطهاری) (نشد) مراغه
 و حوالی نیاب عده نمایندگان یکنفر .
رئیس - مخالفی نیست (گفتند خیر) محل
 انجمن جزء - مراغه - ناب .
رئیس - مخالفی هست (اطهاری) (نشد) محل
 انجمن مرکزی - مراغه .
رئیس - مخالفی هست (اطهاری) (نشد) میاندواب
 و حوالی - افشار عده نمایندگان یکنفر
رئیس - در عده مخالفی هست (اطهاری) (نشد)
 محل انجمن جزء میاندواب - صائین قلعه .
رئیس - مخالفی نیست - (اطهاری) (نشد) محل
 انجمن مرکزی - میاندواب
رئیس - در محل انجمن مرکزی مخالفی نیست
 (اطهاری) (نشد) - دهخورقان - گرگان قاضی جهان
 وغیره عده نمایندگان یکنفر .
رئیس - مخالفی هست .
افتخار الواعظین - وقتی که نماینده اهالی
 یکجملی را تعیین میکنند باید درست معلوم بکنند
 که اهالی آن محل تاجه حدود میتوانند داخل در
 انتخاب آن یکنفر باشند و حدود آن ها بخوبی و
 واضحاً باید معین شود دیگر در این مورد نوشتن لفظ
 وغیره بهجوجه صحیح نیست بجهت اینکه باید معین

شود که حوزه انتخابیه از کجا تا کجا است و اهالی
 تاجه حدودی حق انتخاب یک نماینده دارند یا بجهت
 یکی بنده مخالفم با اینکه در قانون لفظ و غیره
 نوشته شود
حاج میرزا رضا خان - گویا آقای افتخار الواعظین
 درست اطلاعی ندارند دهات معتبری در آن اطراف
 هست که اسم برده نشده از جمله در دامنه های کوه
 معروف مهنت دهات معتبری است که سکنه زیاد دارد
 از قبیل اسکوچائی و میلان و خسرو شاه و شاهی
 چون آن ها را اسم نبرده اند از اینجهت وغیره نوشته
 اند که آنها را هم شامل باشد
حاج شیخعلی - چون همه اطلاعات راجع
 بر رفتن آمدن نیاب باشد این محلها را که یکنفر نماینده
 داده اند بعقیده بنده بیش از سی چهار هزار جمعیت
 ندارد و قتیکه این محلها را یکنفر نماینده داده اند
 ارومیه میبایستی سه نفر نماینده داشته باشد چون
 احصائیه ارومیه معین شده است و صد هزار جمعیت
 دارد بآن جا هم یکنفر نماینده داده اند و چون اینجاها
 معلوم نشده است درست که جمعیت چقدر است یکنفر
 نماینده داده اند بچند محل که رویه رفته بیش از سی
 چهار هزار جمعیت ندارد پس همان نظریکه آقای
 حاج امام جمعه داشته اند که این حوزه بنده درست
 نشده است و این عده نمایندگان که معین شده است
 صحیح نیست و بنده این را تصدیق ندارم و تصدیق
 میکنم فرمایش ایشان را که خیلی از جاها همینطور
 است مثلا محلیکه تأثیر در فرسخی است آنرا یکنفر
 نماینده داده اند پس اطراف تبریز که آن جا نوشته اند
 کدام است تمام صفحه آذربایجان بیست نفر بیشتر
 و کبیل ندارد و این باین ترتیبی که اینجا نوشته شده
 است نمایندگان آذربایجان سی نفر خواهد شد ایلات
 را علیحده حق نماینده داده اند از همه را علیحده
 داده اند کلا اینها را علیحده داده اند وقتی که حساب
 کنیم می بینیم سی نفر نماینده با آذربایجان داده شده
 است در صورتی که بیش از بیست نفر نماینده با آذربایجان
 نمی رسد .
رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد محل انجمن
 جزء - دهخورقان
حاج سید ابراهیم - محل انجمن جزء و
 محل انجمن مرکزی هر دو را در ده خوارقان قرار
 دادن صحیح نیست خوب است محل انجمن جزء را
 در نقاط دیگر قرار بدهند
معین الرعايا - همین طوریکه آقای حاج
 سید ابراهیم فرمودند باید انجمن جزء را در نقاط
 دیگر قرار بدهند و انجمن مرکزی را در ده خوارقان
 قرار بدهند .
رئیس - خوب است پیشنهاد کنی محل انجمن
 مرکزی - دهخورقان (اطهاری) (نشد) مرند
 که مثل ارومیه که دارای شهریت هم هست و خود
 شهر ارومیه دارای سی هزار جمعیت است توابع زیادی
 هم دارد آنجا را هم میگوئیم حق يك نماینده دارد
 و این بعقیده بنده ظلم است در حق آنها در صورتی
 که خودمان میگوئیم که جمعیت توابع آنجا هم بیشتر
 از هفتاد هزار است پس بعقیده بنده خوب است
 بطوریکه آقای حاج امام جمعه فرمودند برگردد
 یکمسیون تا بعضی سیخ بعضی دیگر کباب نشوند
رئیس - گویا مذاکره کافی باشد محل
 انجمن جزء - حاجی آقا .

حاج شیخعلی خراسانی - سراب والان
 بر آغوش پنجاه هزار جمعیت ندارد این پارسه جزو
 اهر باشد چگونه یکنفر نماینده با داده اند باید در
 جزو حوزه انتخابیه باشد .
حاج میرزا رضا خان - آقای حاج شیخ
 علی فرمودند همه اطلاعات راجع بر رفتن و دیدن
 نیابند همین جهت است که ظاهراً ایشان اطلاعات
 ندارند سراب دارای محل جزئی است که هر يك چندین
 آبادی دارد و دهات زیاد و اهالی زیاد دارد و سه
 فوج دارد بطور مشهود که جزو جایی دیگر باشد
 و حتی يك نماینده نداشته باشد جایکه سه فوج میدهد
معین الرعايا - اینکه آقای حاج شیخعلی
 فرمودند که پنجاه هزار جمعیت دارد نمیدانم مینی بر
 چیست اطهاری است که دلیل هم ندارد و بین سراب
 و اهر فاصله زیادی است و تقریباً سراب پنج هزار
 قشون سواره و پیاده دارد و یکنفر ابتدا ؛ ای آن
 جایز نیست .
رئیس - گویا مذاکره در این باب کافی
 باشد محل انجمن جزء - سرآب - بخشایش (مخالفی
 نبوده) محل انجمن مرکزی - سرآب
 (اطهاری) (نشد) (اوجان عباس - مهران رود
 عده نمایندگان یکنفر)
حاج شیخعلی - امیدوارم انشاءالله بزودی
 احصائیه بشود تا معلوم شود کمی بی اطلاع است اوجان
 عباس تا تبریز تقریباً يك فرسخ الی یکنفر سخ و نیم
 بیشتر فاصله ندارد و جزو توابع تبریز است و قتیکه
 هفت نفر نماینده ما به تبریز دادیم نه فقط برای شهر
 تبریز بود بلکه چهار فرسخ اطراف تبریز هم جزء
 تبریز محسوب شد دیگر در اینصورت نمیدانم بطور
 باوجان عباس و مهران رود که يك فرسخ و نیمی تبریز
 است حق يك نفر نماینده نمیدانم .
حاج میرزا رضا خان - این فرمایشات
 آقای حاج شیخعلی بعقیده بنده از روی بی اطلاعی
 است فاصله و حدود اوجان عباس از تبریز خیلی زیاد
 بر این است که فرمودند و از حدود چهار فرسخ در
 چهار فرسخ اطراف تبریز خارج است و در اطراف
 شهر و جنوب تبریز خصوص در دامنه کوه سهنت
 دهات زیادی است که زیاد از پنجاه شصت قریه متصل
 بهم آباد موجود است که هر يك جمعیت زیادی دارد
 و یکنفر نماینده بآنجا ابتدا زیاد نیست برای آنها
لواءالدوله - عرض کنم که در حق بعضی
 نقاط خیلی ظلم شده است مثلا بعضی نقاط رامین
 که دارای پنجاه شصت یارچه دهات است احصائیه
 صحیحی هم که نداریم میگوئیم که دارای پنجاه هزار
 جمعیت است در صورتیکه اگر بشماریم می بینیم که
 از سی چهار هزار جمعیت ندارد آنوقت يك جاهائی
 که مثل ارومیه که دارای شهریت هم هست و خود
 شهر ارومیه دارای سی هزار جمعیت است توابع زیادی
 هم دارد آنجا را هم میگوئیم حق يك نماینده دارد
 و این بعقیده بنده ظلم است در حق آنها در صورتی
 که خودمان میگوئیم که جمعیت توابع آنجا هم بیشتر
 از هفتاد هزار است پس بعقیده بنده خوب است
 بطوریکه آقای حاج امام جمعه فرمودند برگردد
 یکمسیون تا بعضی سیخ بعضی دیگر کباب نشوند
رئیس - گویا مذاکره کافی باشد محل
 انجمن جزء - حاجی آقا .

معین الرعايا - میخواستم عرض کنم يك
 محل انجمن جزء دیگر هم لازم است چون
 بعضی نقاط جزو داد که قابل است انجمن جزئی هم
 آنجاها تشکیل شود .
 محل انجمن مرکزی - حاج آقا - (مخالفی
 نبود) (هشترود - گورالو - وبلرانلو - شاطرانلو
 عده نمایندگان - یکنفر .
حاج میرزا رضا خان بعقیده بنده یکنفر
 نماینده بجهت هشترود و ایلات و توابع آن خیلی
 کم است بواسطه اینکه در اینجا قطعه عرض و طول
 وسیع آن که لاقط در مساحت بیست فرسخ درسی
 فرسخ است تقریباً سیصد ده معتبری است که اهالی
 آن ها دو فسمند یکی راجع بنفوس تخته قاپوشده
 با ایلات است که جمعیت آن ها خیلی معتبر است و
 يك قسمت دیگر هم راجع باهالی است که آن ها هم
 اگر چه سرشاری شده ولی خیلی از این ها زیادتر
 است که تصور میشود و اقلاً دو نفر نماینده باید
 بآن ها داد یکی بجهت ایلات آنجا و یکی بجهت اهالی
 و یکنفر خیلی کم است
هشترودی - بنده در بعضی چیزهای این
 مخالفت دارم لکن وقت مجلس را تعین میکنم در کمیسیون
 مذاکره میکنم .
افتخار الواعظین - بنده میخواستم از مغیر
 محترم شوال کنم که این ایلاتیکه اینجا اسم برده اند
 جزء همان ایلاتی است که از برای آن ها يك نماینده
 معین کرده اند یا آن که غیر از آن ها است اگر
 همان ها هستند که بآن ها علیحده حق یکنفر داده ایم
 و اگر غیر از آن ها هستند که خوب است بفرمایند
 آن ها بچه شکل انتخاب میکنند خودشان میان
 خودشان انتخاب میکنند یا میانند بین اهالی دهات
 عقیده ام اینست که اگر قرار بگذارند که ایلات از بین
 خودشان مستقیماً انتخاب کنند و در انتخاب خواهند
 کرد تا اینکه با غیر ایل شرکت در انتخاب نمایند
هشترودی - این ها ایلات چادر نشین نیستند
 تخت قاپو شده اند و همینطور است که آقای حاج
 میرزا رضا خان فرمودند خیلی هم هستند و اینجا
 خیلی از آن ها نوشته اند و حق يك نماینده هم
 آن ها دارند اما نه اینکه علیحده بآن ها حق يك
 و کبیل داده شود در کمیسیون با حضور آقای میرزا رضا
 خان مذاکره میکنیم .
رئیس - گویا مذاکره کافی باشد آقای حاج
 میرزا رضا خان اصلاحی پیشنهاد کرده اند قرائت
 میشود و کمیسیون فرستاده میشود بمبارت ذیل قرائت
 شد بنده پیشنهاد میکنم که برای ساکنین دهات هشترود
 و ایلات آنجا دو نفر معین شود .
رئیس - فرستاده میشود بکمیسیون محل
 انجمن جزء - آتش بيك .
حاج سید ابراهیم - معلوم میشود که اینها تمام پادیه
 نشین بوده اند که خاک نشین شده اند و يك مرکز
 بیشتر ندارند که آتش بيك باشد همین جهت هم انجمن
 جزء و هم محل انجمن مرکزی را آتش بيك معین
 کرده اند اگر غیر از این است خوب است آقای مغیر
 بفرمایند بجهت اینکه اگر غیر از این باشد باید انجمن
 جزئی را متعدد کنند

هشترودی - اینکه آقای حاج سید ابراهیم
 بفرمایند اینطور نیست چهار ایلات هم هست که
 حاکم نشین هم علیحده است و انجمن کل را همان
 آتش بيك قرار داده اند و سه انجمن جزء میخواهد
 بجهت اینکه اینجاها سه حاکم نشین علیحده دارد که
 از تبریز میروند و پیشنهاد هم میکنم و بنده با کمیسیون
 هم در اینخصوص مخالفم .
حاج میرزا رضا خان - صحیح بفرمایند
 انجمن جزء باید متعدد باشد یکی در آتش بيك
 باید باشد یکی هم در سراسر محل انجمن مرکزی
 آتش بيك (مخالفی نبود) ساوجبلاغ - اشویه سلدوز
 عده نمایندگان یکنفر .
حاج میرزا رضا خان - در ساوجبلاغ و
 اطراف آن که نقاط سرحدی و مهمی است بعضی نقاط
 است که از قلم افتاده است از قبیل سردشت و لاهیجان
 که اینها باید جزء حکومت ساوجبلاغ دیگری لازم
 است فید و درج شود .
ذکاءالملک - هر نوائسی که می بینید
 خوب است پیشنهاد بفرمایند محل انجمن جزء ساوجبلاغ
 سلدوز .
رئیس - مخالفی نیست (اطهاری) (نشد) محل
 انجمن مرکزی ساوجبلاغ
حاج میرزا رضا خان - چون بین این
 نقاط مسافت خیلی زیاد است خوب است دو محل معین
 شود که اهالی بتوانند حاضر شوند و رأی بدهند
 پیشنهادی هم میکنیم .
رئیس - عده نمایندگان برای آذربایجان ۲۵
 نفر مخالفی هست .
حاج آقا - برای عده منتخبین بطوریکه
 مکرر در مکرر مذاکره شده است و گفته ایم ما ذخرا
 صد هزار قرار داده ایم که هر صد هزار نفر حق
 انتخاب يك نماینده داشته باشند حالا ۲۴ نفر
 نمایندگانیکه برای آذربایجان قرار داده ایم غیر از
 نمایندگان ملل متنوعه و ایلات اینعهه نمایندگان
 پنج کرور الا صدهزار نفر است که باید پنج کرور
 الا صد هزار نفوس داشته باشیم تا بتوانیم از روی
 مأخذ هر صدهزار نفر یکنفر ۲۴ نفر نماینده منتخب
 نمایم و حق و کبیل بآن ها بدهیم و چون احصائیه و
 مأخذ صحیحی در دست نداریم مأخذ ما همین
 تخمینی است که در جغرافیای خودتان نوشته شد
 در جغرافیای جدید و عتیق که نوشته شده است
 کالان در ایران متداول است این مأخذ نوشته است
 که عده نفوس آنجاها را ذکر کرده اند بنده در عده
 نفوس آذربایجان در جغرافیای اینجا سه کرور و
 نیم الی چهار کرور بیشتر ندیده ام بنویسند منتهی
 در مأخذ جمعیت کلیه ایران که همه را بیست میلیون
 بنویسند آن وقت اهالی آذربایجان را چهار کرور
 نوشته اند و از اینطور مأخذ را قرار ندهیم که کمتر
 است و حال اینکه ما خیلی بخواهیم ما ذخرا زیاد
 بگیریم سی کرور نفوس ایران است آن وقت مأخذ
 جمعیت آذربایجان از سه کرور الی چهار کرور میشود
 (استدعا میکنم در بین نطق هم بعضی صحبت بفرمایند
 که اسباب برنشانی حواس میشود بد هم اگر کسی
 اشکالی دارد خواهد کرد) و این چهار کرور هم
 با ملل متنوعه و ایلات آذربایجان است و اگر بخواهیم

ایلات و ملل متنوعه را خارج کنیم خیلی کم بگویم. آنها را سیصد هزار جمعیت ایلات و ملل متنوعه قطعاً خواهد بود آن وقت سه نفر وکیل از نمایندگان چهار گروه خارج میشود آنوقت ۱۷ نفر از روی مآخذ هر صد هزار نفر یک نفر برای آذربایجان باقی میماند در صورتیکه هیچ جغرافیائی بیش از چهار گروه تعیین است آذربایجان نوشته است و اگر یک جغرافیائوس دولتی یا غیر دولتی جمعیت آذربایجان را بیش از چهار گروه کرد و دانست آنوقت بنده حاضر که هر قدر زیادتر دانست و از روی همان مآخذ هر صد هزار نفر یک نفر نماینده برای آذربایجان قبول کنیم ولی این چیزیکه ما مآخذ در دست داریم بیش از ۱۷ نفر برای ما نیگوبد و اگر کسی هم مخالف است با بنده استصفا میکنم از روی برهان و دلیل جواب بگویم و دلم میخواهد آنها که نفوس آذربایجان را زیادتر این میدانند بگویند از روی کدام دلیل زیاد تر میدانند و با وجود این همین میزان جغرافیائیکه در دست داریم همان طوریکه در جلسه سابق عرض کرده نسبت بیلادشمالی ایران نزدیکتر بواقع است از میزانیکه نسبت بجنوب ایران نوشته اند بجهت اینکه بیشتر طرف توجه دولت بوده و آن کسانیکه رفته اند و یک میزانی معین کرده اند و یک صد را معین کرده اند با یک تخمین فریب بواقعی عده نفوس آنجا را معین کرده اند ولی در حدود جنوب هیچ تخمینش موافق واقعی نبوده همینطور بطور عبور رفته اند و یک تخمین که خیلی خیلی مابین با واقع است عده نفوس آنجا را نوشته اند چنانچه در مراکزش وقتیکه انسان ملاحظه کند ببیند که چقدر مابین با واقع نوشته اند ولی در بلاد شمالی غالباً موافق با واقع است و با اینکه در بلاد شمالی فریب بواقع نوشته اند دیگر زیاد از چهار گروه نوشته اند و از روی این تخمین پیش از هفده نفر آذربایجان حق نماینده ندارد و جمعیت آذربایجان زیاد از این که نوشته شده است هست .

آقا شیخ محمد خیابانی - بعد از آن که انتخابات ما یکدرجه و مستقیم شد بنده ۲۴ نفر را برای آذربایجان زیاد میدانم یعنی ۲۵ نفر را بلی چنانچه عرض کردم و مخالف بودم بظنراتی با انتخابات یکدرجه و مستقیم و انتخابات اگر ۲ درجه باشد آن وقت بنده شاید ۲۰ نفر را کافی میدانم ولی حالا میگویند ۷ نفر برای تبریز آن وقت میماند ۱۷ نفر برای سایر جاهای آذربایجان مابین در موقع وضع قانون صلاح مملکت را در نظر بگیریم چون در بعضی مواقع منطق عقیم میاندر به بینیم که ادله منطقی ما در مقام عملیت که آمد نتیجه چه میدهد اگر خوب وضع مملکت را ملاحظه کنیم محتاج بشرح نیست تبریز و اطرافش هفت آنهم زیاد است ارومیه و اطرافش یک نفر یعنی آنجاها یک نفر معتبر است و اهالیشان حاضرند بآنجا انتخاب کردن و شهرت دارند و متعین هستند بآنجاها میدهند حق انتخاب یک نفر و به تبریز هم حق هفت نفر نماینده میدهند آنوقت روی هم رفته از تمام این شهرها دوازده سیزده نماینده بیشتر نیاید آنوقت شامشکن برامی آورید عده شامشکن داخل احصایه میکنند یا هشتاد و دو اطراف او را وقتی یک نماینده بانها میدهند البته باید ملاحظه فرمائید و دست خساک آذربایجان و نفوسیکه در آنجا است بطور میشود مردم آنجا جمع شوند و انتخاب میکنند ملاحظه بکنید

از چقدر دهات و چه مسافتها باید جمع شوند تا عده شان سیصد هزار برسد و حق انتخاب یک نماینده داشته باشند و بطوریکه بنده اشاره کردم اگر بکنند خواهند دید اگر این بیست و پنج نماینده را با آذربایجان بدهند یعنی با اینطور که هر کس حق دارد و کیش را خودش انتخاب کند آنوقت باید ملاحظه را از نظر ایندازیم و آن اینستکه مثلاً در دهمه اول که انتخاب شد خیلی جاهها محروم شدند از انتخاب بملاحظاتی حرف زدیم مثلاً ارومق و انزاب که اینجا نوشته شده است شکایت هم کردند که ما دیگر حق نداریم و همچنین خیلی از جاهها شکایت کردند و انتخاب هم نکردند و ما گفتیم چون به تبریز دوازده نفر داده شده است و باردیله هم عده کافی داده شده اینها وکیل آنها هم میشوند اما حالا میگویند که عده خودشان باید انتخاب بکنند بنده از روی انصاف و تدقیق میتوانم بگویم که در بعضی نقاط که حق یک نماینده بانها داده شده از روی میزان هر صد هزار نفر یک نفر نماینده آنها دارای صد هزار جمعیت هستند از قبیل هشتاد و دو نفر از انزاب که میشود گفت صد هزار نفر تخمین یک نماینده داده شده اما بعضی نقاط هست که پنجاه هزار شخص هزار هفتاد هزار جمعیت دارد آنوقت مطابق میزان هر صد هزار نفر یک نفر بکنند که یک وکیل بانها نمیتوانیم بدهیم غیر مستقیم هم که انتخابات نیست تا اینکه در انتخابات دیگران مداخله نمایند یک نصفه و یکصیل هم کنن بتوان بانها داد آنوقت باین ترتیب هفتاد هزار نفر حش از بین میرود و محروم میشود اینها هم انصاف حکم نمیکند که یک جاییکه کاملاً صد هزار جمعیت نداشته باشد از انتخاب محروم بماند و اگر ما اینها تجویز نکنیم که هر جاییکه صد هزار جمعیت ندارد هشتاد هزار مثلاً جمعیت دارد حق یک نماینده ندارد و در جای دیگر هم نتواند بطور غیر مستقیم شرکت نماید این لحاظ را هم خوب در نظر داشته باشیم که چقدر بلوک و فراقه و قصب است که نمیتوانند بواسطه بند مساحت شرکت در انتخاب نقطه دیگر بکنند بنده با کمال قوت قلب میتوانم بگویم در اینصورت بفرز نمایندگان چند شهر بزرگ نماینده از نقطه دیگری بانها نخواهد آمد پس با این ملاحظاتی که عرض کردم و میخواهم دیگر زیاد در دسر بدهم عرض میکنم چون ما انتخابات را مستقیم کرده ایم و خواسته ایم همه حق بدهیم طوری شده است که دچار این اشکالات شده ایم مثلاً در نقاطیکه هفتاد هزار جمعیت دارد و در آن نزدیکها نقطه هم نیست که اینها با آنها شرکت در انتخابات نمایند آنوقت در یک چنین موردی چه باید کرد بعقیده بنده باید تغییر بدهیم این هیئت را یا اینکه یک نظر صلاح بینانه بشهرهای عده که حاضرند برای انتخابات زیادی نماینده بدهیم مثلاً به تبریز دوازده نفر ارومیه و اردبیل یکی سه نفر دونه حق نماینده بدهد که اینها نماینده از جانب آنها هم که کمتر از صد هزار نفر هستند باشند آنوقت بنده تنزل میکنم بیست نفر بکنند که هجده نفر را هم کافی میدانم ولی حالا که میفرمایند انتخابات مستقیم باید باشد آنوقت لابد آنجاها یکیکه ۷۰ هزار جمعیت دارد یا کمتر یا قدری بیشتر به بینند که هم حق دارند انتخاب نمایند هم یک نماینده بانها بیزان هر صد هزار نفر یک نفر برسد هم شرا کتدر

انتخابات نقطه دیگر بواسطه بند مساحت نمیتوانند بنمایند در اینصورت چاره نیست جز اینکه بقدری غرض عین و صرف نظر کنیم و بانها هم حق یک نماینده بدهیم آنوقت اگر از عده نمایندگان که هم باین واسطه یکی دو نفر زیاد بشود عیب ندارد و اینهم که مذاکره از تقسیم بندی جغرافیائی میشود بنده بکلی زیادی میدانم بجهت اینکه بنده جغرافیائی دیدم و جغرافیائی که تمام جمعیت ایران را شش میلیون نوشته است و خجالت نکشیده است چون نظر اینکه در نوشتن جغرافیائی ایران بوده واقماً خیلی نظرات بی انصافانه بوده مثلاً شهر تبریز را که اختلاف در جمعیت او از دوست و پنجاه هزار الی سیصد هزار بوده بی انصافها از دوست هزار هم کمتر نوشته اند در صورتیکه بلدی که تازه تأسیس شده بود و شروع یک احصایه نموده در صورتیکه غالب مردم بیچاره ملاحظاتی عده را کمتر از آنقدریکه بوده میگفتند و صحیحاً صورت نمیدادند مذلک عده سیصد هزار متجاوز از چهار صد هزار قدری کمتر شد این جمعیت شهر تبریز است بدون اطرافش باین لحاظ بنده جمعیت آذربایجان را ازینجکرو کمتر میدانم و اگر هم کمتر باشد با این ملاحظاتی که عرض شد قدری نیبیم در اینکه دوسه نفر از عده نمایندگان آنجا اضافه باشد مطابق این تقسیم کرده و این میزانیکه اتخاذ کرده ایم .

افتخار الواعظین - بنده که یکی از مخالفین هستم گویا مقصود ما را آقایان کاملاً متعجب شدند که چه عرض کردم عرض میکنم اگر چنانچه نظرشان باینست که انتخاب زود بعمل بیاید و مقتضیات وقت را در نظر دارند آن وقت لازم است که در موقع حوزة بندی و در موقعیکه حق انتخاب را میدهند به اهالی شهرها آن هم شهرهای عده زیاد تر حق بدهند از برای اینکه زودتر و کیشان بیاید اما اینجا نظیر ما بزود آمدن و با همیت سایر چیزها نیست اینجا یک حقی را از حقوق حقه بشری ایرانیان را میخواهند تقسیم بکنند حضرات عالی اینجاست تقسیم بفرمایند با کسانیکه میفرمایند ۶۰ هزار یا ۷۰ هزار جمعیت دارد بانها بطور یک نفر وکیل ندهیم بنده عرض نمیکنم بانها حقاً یک نفر وکیل بدهیم تمام اهالی آذربایجان را از روی یک تخمین که نزدیک بتحقیق هم باشد نه این که بنده بگویم در مقام افراط که یک گروه جمعیت است دیگری در مقام تقریب بگویم هشت گروه جمعیت است و یک تخمین تحقیقی که فهمیده بشود که اهالی آذربایجان چقدر جمعیت دارد آن وقت بهر صد هزار نفر حق انتخاب یک نفر وکیل بدهند هم از اینک آن ها انتخاب بکنند بانکنند میفرستند یا نمیفرستند هیچ به بنده مربوط نیست چون او را انتخاب نخواهد کرد بنده نباید حق او را تقسیم بکنم میدانم شاید از جانب آنها هم که کمتر از صد هزار نفر هستند باشند آنوقت بنده تنزل میکنم بیست نفر بکنند که هجده نفر را هم کافی میدانم ولی حالا که میفرمایند انتخابات مستقیم باید باشد آنوقت لابد آنجاها یکیکه ۷۰ هزار جمعیت دارد یا کمتر یا قدری بیشتر به بینند که هم حق دارند انتخاب نمایند هم یک نماینده بانها بیزان هر صد هزار نفر یک نفر برسد هم شرا کتدر

تصویب کرده اند نظر بنده این است که اگر عده نمایندگان کمتر باشد مثلاً (۱۲۰) نفر باشد (۶۱) نفر وکیل که حاضر شد مجلس شورای ملی افتتاح میشود و اگر عده صد و پنجاه نفر باشد باید قریب (۲۶) نفر وکیل اینجا حاضر شود بعد مجلس افتتاح بیاید از برای اینکه مجلس شورای ملی زود تر انعقاد شود این نظر را بنده و رفقای بنده عرض میکنم که عده نمایندگان باید کمتر از این باشد باید نظر کرد بهر صد هزار نفر جمعیت یک نفر وکیل بانها داده اعم از این که اهالی شهر باشند یا قراء باشند حالا که حوزة ما را باین تنگی کرده اند بعقیده خودشان که بهر سی هزار چهار چهل هزار پنجاه هزار حق یک نفر وکیل داده اند چنانچه حوزة ما را یک نفری بدهند آنوقت رقم این اشکالات خواهد شد .

آقا میرزا احمد - بنده بیست و چهار نفر را برای آذربایجان زیاد میدانم چرا که اهمیت معنی برخلاف مسلک من است بلکه از حیث عده و جمعیت اینکه فرمودند جمعیت آذربایجان نسبت بجمعیت ایران کمتر از خمس و سدس میشود اینطور نیست بر حسب غالب جغرافیائیکه نوشته شده است از شش میلیون تا ده میلیون آذربایجان را نسبت بجمعیت ایران ربع جمعیت ایران تخمیناً میشود پس باز حق یک نفر کمتر داده اند گذشته از آن اینکه میفرمایند مثل متنوعه و شاهسون هم داخل است شاهسون که اصلاً داخل نیست آنوقت باقی میماند بیست و چهار نفر اما ملل متنوعه آنکه ارمنی است ربطی با آذربایجان ندارد یک فست مختصرش در آذربایجان است فقط کلدانی است آنهم یک نفر می شود مجموع بیست و پنج نفر و نسبت بجمعیت آذربایجان که عده مجموعشان نسبت بنام نقاط ایران ربع نوشته شده است باز بالنسبه بانها کمتر داده شده است این است که عده (۲۴) نفر را زیاد نمی دانم .

رئیس - عجالتاً ده دقیقه تنفس داده میشود (در اینصورت تنفس شده مجدداً یکساعت قبل از ظهر مجلس تشکیل گردید)

رئیس - رفته است که از طرف وزیر جنگ رسیده است با یک فقره راپورت قرائت میشود (رفته وزارت جنگ و عریضه آقای سردار معینی ببارت ذیل قرائت شد)

(۱) رقم وزارت جنگ بتاريخ ۲۶ برج اسد ۱۳۲۹ مقام منبع مجلس مقدس شورای ملی شهادت ارکانه رقمه از آقای سردار معینی بعنوان مجلس مقدس شورای ملی رسیده که سابقاً ارسال گردید .

(۲) از طرف سردار معینی بتاريخ ۱۶ شهر شعبان ۱۳۲۹ از اردوی استرآباد و مازندران بتوسط وزارت جلیه جنگ مقام منبع مجلس مقدس دارالشورای ملی شهادت ارکانه راپورت این اودومه روزه بمقام محترم ریاست وزراء و وزارت جلیه جنگ دامت شوکت مرتباً ارسال شده و مشود اتفاقات دیروز خدمتیکه شده است لزوماً شرح آنرا بمقام مقدس عرض و تقدیم میدارد بر شیب که اردو وارد قریه صید آباد شد نظر با همیتی که منزل بند

داشت یکصد سوار بختیاری و عده از سواد شخصی خود را بطور پیش قراول فرستاد که نقاط مهمه را اشغال نمایند یکساعت از شب گذشته خبر این طایفه رسید که با پیش قراولان متردین مصادف و جزئی زد و خوردی شده آنها را تعاقب نموده اند قراول امر نمود دیوار فشنگ و آذوقه و طلیق و سوار بختیاری ریاست آقای سالار بهادر شبانه بنقطه مذکور بروند و صبح همان روز فرمان حرکت اردو داده شد در راه راپورت رسید که از اول آفتاب رشید السلطان و ارشد السلطان و و بیخان و صمام السمالک و عباسخان با عده سوار خودشان که دویست نفر تراکمه و سیصد سوار اصابت و یکصد نفر سوار خراسانی و متفرقه که معادل هفتصد نفر بود اند مقابل و شروع بچنگ نموده اند نزدیک ظهر که خود بنسوسیده و سواران مخصوص همراه خود رامعجلا بسنک فرستاده تا ۳ ساعت بفریب مانده جنگ طول کشید بالاخره باقیال دولت روز افزون رشید السلطان که متشاقفته و فساد بود دستگیر و تیر خورد و فرامجوس است تعداد کشته های طرف هنوز از روی تحقیق معلوم نیست زیرا در هر سنگر و هر دره ده نفر بیست نفر ریخته است همینقدر میتوان گفت خیلی کشته شده است آقای سالارها در الحاق در جنگ رشادت نموده و زحمت کشیدند تا چهار فرسخ دشمن را تعاقب و چهار نفر اسیر گرفته چندراس مال آوردند صدمه که از این جنگ از سواران رشید بختیاری بود که مصطفی قلیخان برادر زاده محمد زمانخان است که موجب تأسف و تألم گردید که نفر دیگر نیز زخمی و در صحنه مشغول معالجه اند و خطری ندارد و امروز هم امر نمود بطرف فیروز کوه اردو حرکت کند همینقدر با آنقام مدس عرض میشود که در اول وحله بعهدالله تعالی و بتوجه امام زمان عجل الله فرجه فتح نمایانی شد و امیدوارم بکلی رفع و قلع و قمع متردین بشود برای امید واری عموم مستخدمین و مأمورین جنگی دولتی در این وقت مستعی میشود که بدل توجهی در باره محمد زمانخان فرمایند حقوق مناسب و نقب بشوارالیه بتوسط وزارت جلیه جنگ مرحمت بشود و هم برای این دونه بختیاری که تیر خورده اند عده داده ام که مساعدت در باره آنان بشود نیز مستعی است حقوقی بعنوان مقرری امروز مقرر شود در حق آنها منظور دارند که اسباب افتخار و سر افزای آنها و امیدواری سایر مأمورین دولتی باشند زیاد موقوف بامر اولیاء امور است فدائی وطن عبدالحسن .

(از طرف نمایندگان اظهار تحسین شد)

رئیس - حوزة انتخابیه عربستان - عربستان و میانات عقبلی ناقچه آل کشیر شوشتر و کلوند یک نفر .

رئیس - مخالفی هست؟ (اظهاری نشد) انجمن جزء شوشتر مخالفی نبود .

رئیس - مخالفی هست ؟

آقا سید محمد باقر ادیب - آل کشیر که جزء شوشتر نوشته شده است جزء دزفول است و خانه سعد معروف است .

بهجت - آل کشیر دو قسم است یکی خانه

سعد است یکی خانه جری و خانه جری متعلق بدزفول است دزفول بلوک شرقی و بلوک غربی و آل کشیر دزفول و جری که های سادات یک نفر .

رئیس - مخالفی هست ؟ (اظهاری نشد)

محل انجمن جزء دزفول (مخالفی نبود) محل انجمن مرکزی دزفول .

رئیس - مخالفی هست (گفتند خیر)

محمدره - فلاجه و کعب جراحی بنادر جزء عربستان (یک نفر)

رئیس - مخالفی نیست .

محل انجمن جزء محمدره - فلاجه جراحی (مخالفی نبود) محل انجمن مرکزی (محمدره)

رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد ناصری و اهواز و دلیل رام هرمز و توابع (یک نفر)

رئیس - در باب یک نفر مخالفی هست (اظهاری نشد محل انجمن جزء ناصری رام هرمز مخالفی نبود محل انجمن مرکزی (شوشتر)

رئیس - در محل انجمن مرکزی مخالفی هست گفتند خیر حویزه و بلی و خفاخه و بنی طرف یک نفر (مخالفی نبود) محل انجمن جزء حویزه ایضاً اظهار مخالفی نشد محل انجمن مرکزی حویزه

آقا سید محمد باقر ادیب - حویزه اینطوریکه نوشته اند صد هزار نفر بیشتر است و یک نفر گمانم این است کم باشد .

آقا سید حسن مدرس - بنده چهار روز در ناصری توقف کردم و قدری هم استراحت کردم بنادر دارد آنجا اسش برده نشده است خوب است توضیح بدهند .

ذکاء الملک - بنادر در حوزة محمدره است .

رئیس - عده نمایندگان عربستان پنج نفر است مخالفی نیست .

افتخار الواعظین - البته نظرشان این بوده است که بهر صد هزار نفر یک نفر نماینده بدهند در کبسیون تحقیق شده است عربستان یک صد و چهار جمعیت دارد اگر تحقیق نشده باشد و آن وقت از روی یک تخمینیکه هیچ نزدیک تحقیق نشده باشد پنج نفر بدهند باید با آذربایجان سه نفر و سی پنج نفر داده شود خوب است آقای معبر توضیح بدهند تحقیقات شده است یا خیر .

حاج عز الممالک - مطابق همین حوزة بندهای جزویکه شده است ثابت میشود که عربستان یک گروه جمعیت بیشتر دارد بجهت اینکه خود این بلوک غیر از شوشتر قریب چهارده پارچه آبادی است و آبادیهای دیگر هم دارد همینطور دزفول و شوشتر و محمدره و غیره حتماً هر کدام بیش از صد هزار جمعیت را هم ناصری و ناصری بهمین شکل حویزه و بنی طرف و اگر آقای ادیب فرمودند خود شریک خاکی است که بیشتر از صد هزار نفر جمعیت دارد و اینطوریکه عربستان را حوزة بندی کرده اند اگر درست رسیدگی بشود مثلاً رام هرمز و ناصری از صد هزار بیشتر جمعیت دارد ولی بدویست هزار نرسیده که آنها یک نفر وکیل داده اند و باین واسطه بود که سابق بانها دو وکیل حق داده اند باینجهت تصور میکنم که حوزة بندی عربستان خوب شده است خراسان - مشهد و توابع چنانرا رانگان ۴ نفر .

رئیس - مخالفی هست ؟
افتخار الواعظین - بشهد وتوابع نمیدانم آقایان چرا سه نفر وکیل حق داده اند و چنانرا را هم روی آن گذاشته اند و حال آنکه خود چنانرا دارای چندین قراء و قصابات زیاد است و گویا بشهد استعداد داشته باشد که بخود مشهدمنتها ۳ نفر نماینده بدهند بدون اینکه چنانرا و رادکان جزء او باشند نمیدانم آقایان بچه دلیل اینطور نوشته اند و اگر عقیده شان اینست که در خراسان سید هزار جمعیت نیست بنده با کمال قوت قلب عرض میکنم يك تنگراف بکنند بخراسان که يك سرشماری بکنند تا معلوم شود که علی التحقیق خراسان سید هزار جمعیت بیشتر دارد .

معرزالملك - بنده تصور میکنم همانظوری که در اینجا نوشته شده است صحیح است بجهت این که اگر يك وقتی سرشماری شود شاید زیادتر نباشد اهالی مشهد از صد و هفتاد هزار بیشتر نیست ولی در طهران آنچه معروف است میگویند مشهد صد و پنجاه و شصت هزار نفر جمعیت ندارد باینجهت پس سه نفر را که دادیم باید جای دیگر هم مثل چنانرا و غیره جزء او بشود بقیده بنده سه نفر برای مشهد و چنانرا و رادکان کافی است کم نیست و زیاد هم نیست .

آقای سید حسین اردوبیلی جای انوس اینست که تمام اینها بواسطه نداشتن احصائیه است یکی میگوید سید هزار است در عین حال یکی دیگر مدعی میشود که صدر شصت هزار نفر است معنوی است کسی نمیتواند این مطالب را حل بکند مگر احصائیه در واقع تمام دعاوی از روی يك سند صحیحی نیست ولی در هر حال بقیده بنده آنقدرش گویا معقول باشد که مشهد با توابع نزدیکش کمتر از چهارصد هزار نفر نداشته باشد گمان میکنم آن چیزیکه آقای معزالملك فرمودند خیلی کمتر تخمین کرده اند باین ملاحظه که ایشان تخمین کرده اند برای مشهد باید يك نفر وکیل معین بشود و چون تخمین هیچ يك از ماها مستند باسناد علمی صحیح نیست پس اگر هم بقیده بنده چهار نفر منتخب نشود لافاقل پاندازه که کمسیون تعیین کرده است تشوّل بکنند و ۳ نفر قائل بشوند .

رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد محل انجمن جزء مشهد و رادکان .
رئیس - مخالفی هست
افتخار الواعظین - محل انجمن جزء سه جا باشد بهتر است یکی مشهد یکی رادکان یکی چنانرا مردم چنانرا نه برادکان میتوانند بروند که سی فرسخ فاصله است نه بشهد که پانزده فرسخ فاصله است از آقایانیکه این حوزه بندی را کرده اند و محل انجمن جزء را معین کرده اند سوال میکنم آیا در صورتیکه اهالی چنانرا نه بشهد خواهند رفت و نه برادکان خواهند رفت چه خواهند کرد بچه وجه فاصله بین اینجا هارا ملاحظه نکرده اند و باینسانچنین جزء آن ها سه جا باشد یکی رادکان و یکی چنانرا و یکی مشهد .
محمد هاشم میرزا - عرض کنم چنانرا و رادکان را نوشته اند که انجمن جزء شان در

ازست نماینده گمی که دارم بنده دوسال در آن حدود میزی کرده ام و تمام نقاط جزو کل آنرا بخوبی میدانم چنانچه مأخذ مالیات آنها مربوط بآن میزی است که بنده کرده ام قائل که اسم یکسولایتی است مشتمل هست بر چهارده بلوک و خیلی تقسیمات درست و منظمی دارد و شصت فرسخ در شصت فرسخ مسافت آنجا است و اینکه يك قسمت آن در بیرجند بیایند انتخاب بکنند و يك قسمت در بلده قائل که حالا شهر قائل معروف است بروند رأی بدهند خیلی اسباب اشکال و زحمت خواهد بود و بهمان ترتیبی که بنده پیشنهاد کرده ام هر يك از این چهارده بلوک که تقسیمات صحیح مرتب و منظمی است نایب العکومه مشخص و معین دارد و هر کدام ممکن است در خودشان انتخاب بکنند و هیچ لازم باین ترتیب نبود ولی در خصوص نفقات آن که يك نفر باشد یا دو نفر حرفی ندارم و موافقم برای این که سیستان بطور تحقیق قریب صد هزار جمعیت دارد و قائل هم پیش از صد هزار و ۱۲۰ هزار منتهی ۱۴۰ هزار بیشتر ندارد ولی در ترتیب حوزه بندی آنجا استدعا میکنم که مطابق پیشنهاد نوشته شود .

(پیشنهاد آقای معادل الدوله عبارت ذیل فرائت شده) این بنده پیشنهاد میکنم که حوزه بندی سیستان این قسم نوشته شود بلوک نه بداند که هیچ ارتباطی به سیستان ندارد از سیستان موضوع شده جزء قائل شود
 انجمن مرکزی نصیر آباد - که فقط يك قلمه حکومتی است و حل کم نشین سیستان هست و حسین آباد شهر ضمیمه آن است انجمن جزء بلوک پشت آب در حسین آباد شهر پشت آباد در جلگه شهر کی - جز نیک - مازونی - قلعه کهنه - میان کنکی - سبادک .

رئیس - فرستاده میشود بکمسیون محل انجمن جزء بیرجند و قائل .
آقای میرزا ابراهیم خان - موافق پیشنهاد آقای معادل الدوله محل انجمن های جزء اینطور باید نوشته شود .
 بلوک شهباناد - شهر بیرجند حاکم نشین قائنات است - بلوک القور - قریه القور - بلوک براکوه - قریه کل - بلوک خوسف - قریه خوسف - بلوک دشت بیاز - قریه دشت بیاز - بلوک زهان - قریه زهان - بلوک زیرکوه - قریه شاه رخت - بلوک شاه من - قریه درخش - بلوک طیس من - قریه طیس - بلوک قائن - بلده قائن - بلوک فیض آباد - کاخک - بلوک مؤمن آباد - سریش - بلوک نهار جان - فتود - بلوک نه بداند - قصبه نه - محل انجمن مرکزی شهر بیرجند .

رئیس - عیناً فرستاده میشود بکمسیون محل انجمن مرکزی بیرجند .
رئیس - مخالفی هست ؟ (اظهاری نشد)
 طیس - بیجستان - شیرویه حلوان یکنفر .
رئیس - مخالفی هست ؟ (گفتند خیر)
 محل انجمن جزء - طیس - بیجستان - شیرویه حلوان .
رئیس - مخالفی هست ؟ (گفتند خیر) محل انجمن مرکزی طیس -

رئیس - مخالفی هست ؟ (اظهاری نشد) گناباد تون یکنفر .
رئیس - مخالفی نیست ؟ (اظهاری نشد) محل انجمن جزء - حونمید - تون .
رئیس - مخالفی نیست ؟ (اظهاری نشد) محل انجمن مرکزی مشهد .

رئیس - مخالفی نیست ؟
حاجی سید ابراهیم - بنده مخالفم با این که محل انجمن مرکزی گناباد و تون مشهد باشد بجهت این که انجمن مرکزی هیچ حکمی ندارد در عملیات انتخاب و نماینده آنجا مستقیماً میآید اگر لازم است انجمن مرکزی را در حوزه باید قرار داد نه در خارج حوزه .

حاج شیخعلی - قریب ۳۰ چهل فرسخ مسافت هست از تون و گناباد تا مشهد و هیچ دلیلی ندارد که مامل انجمن مرکزی تون و گناباد را مشهد قرار بدهیم خوب است تون را که شهرت دارد قرار بدهند و اگر نخواهند آنجا را قرار بدهند تربت که نزدیکتر است قرار بدهند و تون گناباد تا مشهد خیلی دور است اگر تون را قرار بدهند خوب است .

بهجت - همان روز يك مطلبی اینجا مطرح شد و گفته شد که بکرای قطعی داده شود و دیگر در این جزئیات گفتگو نشود و آن اینست که حکومت نشینهای جزء هیچکدام نسبت بیکدیگر مرکزیت ندارند و باید ببینیم که یکی از حکومت نشینهای جزء میتواند نسبت بحکومت نشینهای جزء دیگر انجمن مرکزی بشود یا خیر اگر این رأی را داریم باید يك رأی قطعی بدهیم که میتواند یکی از اینها انجمن مرکزی بشود آن وقت تمام انجمن های مرکزی باید اصلاح بشود و اگر هم که نمیتواند بشود بقیده من اینست که در تمام اینها باید یکرای قطعی گرفته شود و مذاکره این جزئیات هیچ فائده ندارد آن روز هم که در این مسئله مذاکره شد باید آقایان بدانند که مذاکره شد که انجمن مرکزی هیچ دخالتی در انتخابات ندارد فقط وقتیکه انتخابات بعمل آمد نتیجه این آراء بآنها داده میشود تا یک اختیار نماند بنویسند و باو بدهند دیگر هیچ کاری ندارد که دور باشد یا نزدیک نتیجه انتخابات را هم میشود تلگرافاً اطلاع داد بنا بر این برای اینکه این انجمن های جزء بتوانند یکسولایتی بآن انجمن مرکزی داشته باشند و بدانند که تابع هدایتگری نیستند محل انجمن مرکزی را حکومت نشین کل قرار بدهند و در این جزئیات مذاکره کردن تضییع وقت مجلس میشود .

معزالملك - بطور اختصار میخواهم عرض بکنم که بنده هیچ جهتی نمیبینم که انجمن مرکزی يك حوزه که باشهد هیچ مناسبت ندارد در مشهد باشد و یکی در خودش مثلا انجمن مرکزی گناباد در مشهد باشد و یکی مثل طیس در خودش باشد و مثل تربت در خودش باشد اگر يك فلسفه و یک نظری در اینخصوص هست در اینجا باید بگوئیم که چون مرکز کل این نقاط مشهد است پس بگوئیم انجمن مرکزی تمام خراسان در مشهد باشد و بنا اینهم بنده مخالفم بجهت اینکه مثلا مسافت مشهد با تربت

زیاد است و هیچ جهه ندارد که مال تربت نیاید بخود تربت از سی فرسخ و چهل فرسخی بیاید به مشهد این چیز غریبی است و هیچ لزومی ندارد و در خود داخله آن حوزه انتخابیه میتواند يك نقطه را معین بکنند و اگر بگویند که این دو نقطه در عرض همدیگر هستند پس لافاقل بخود طیس بفرستند که حاکم نشین آنجا است .

رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد (گفتند کافی است) - ترشیز - کوه سرخ یکنفر .
افتخار الواعظین - در این حوزه بنده با اینکه کرده اند غالباً بی ترتیب شده است مثلا کوه سرخ یکی از توابع ترشیز است این ترشیز را کاسم برده اند بعد کوه سرخ را هم اسم برده اند آیا سایر توابع حق انتخاب دارند یا ندارند اگر حق دارند بچه چه دارد که تنها کوه سرخ اسم برده شده است و سایر جاها را اسم برده اند و اگر بنا هست که تمام توابع محلات را اسم ببرند بنویسند ترشیز و توابع والا بعد از گذشتن اینقانون خواهند گفت که غیر از ترشیز و کوه سرخ سایر توابع حق انتخاب ندارند و الا باید نوشته شود ترشیز و سایر توابع .

محمد هاشم میرزا - آقای افتخار الواعظین فراموش کرده اند که کوه سرخ جزء توابع مسله ترشیز نیست بعضی از اوقات جزء ترشیز بوده و بعضی از اوقات مستقل بوده سالهای سال از مشهد حاکم از برایش می آمده است منتهی چند سال است که جزء ترشیز هست گاهی مستقل است و گاهی جزء ترشیز است باین ملاحظه مخصوص بدکر شده است علاوه بر این جمعی خرجش مالیاتش سربازش سوارش بکلی خارج از ترشیز است این دخل بحساب سایر بنوکات ترشیز ندارد و اینکه میگویند توابع ترشیز را بنویسند این معلوم است که تنها مقصود شهر ترشیز نیست ترشیز با توابع منظور شده است ولی تخصیص کوه سرخ باینجهت بوده و لازم هم هست .

رئیس - مذاکرات کافی نیست ؟ (گفتند کافی است) محل انجمن جزء ترشیز - ایش .

رئیس - مخالفی نیست ؟ (گفتند خیر) محل انجمن مرکزی - ترشیز .
رئیس - مخالفی نیست ؟ (گفتند خیر) تربت حیدری و اطراف مهورات - برس و کدکن و رخ شاه بخش رشخوار یکنفر .

افتخار الواعظین - اینجا خیلی بی مناسبت است مثلا تربت حیدری و اطراف مهورات که قصبه اند نزدیک بهم اسم برده اند نه ساه که از محلات بزرگ است اسم نبرده است بنده میگویم که توابع نوشته شود بهتر است .
رئیس - مذاکرات کافی است اگر پیشنهادی دارید بفرستید بفرستم بکمسیون محل انجمن جزء تربت فیض آباد که کن رشخوار .

رئیس - مخالفی نیست ؟ (اظهاری نشد) محل انجمن مرکزی - تربت .
رئیس - مخالفی نیست ؟ (اظهاری نشد) تربت شیخ جام - باخزر - خوانسار یکنفر .
رئیس - مخالفی نیست ؟ (اظهاری نکردند) محل انجمن جزء تربت شیخ جام - از خره .
رئیس - مخالفی نیست ؟ (اظهاری نشد)

محل انجمن مرکزی - مشهد .
رئیس - مخالفی نیست ؟ (اظهاری نشد) سبزوار - مزینان - ماوکا - یکنفر .

حاج شیخعلی - جاهائیکه احصائیه صحیح پیدا کرد در سنه گذشته یکی ایالت خراسان بود و یکی ارومی ایالت خراسان را صورت صحیحی فرستاده اند برای وزارت داخله و الان حاضر است جمیع نقاط خراسان تا سرخس احصائیه بعمل آمده و آقایانی که اعتراض کردند از اینجهت بوده است که مطلع نبوده اند که آن جاها احصائیه بعمل آمده و صورت داده شده سبزوار آن صورتیکه سوزارت داخله فرستاده شده است که در وقتیکه تعداد میکنند کمتر خواهند گفت و بیشتر نخواهند گفت با وجود این ۱۴۰۰۰ جمعیت دارد و اینجا بصورتیکه هزار نفر یک نفر وکیل داده اند و این خیلی بعید است و اگر خواهند ملاحظه دوست هزار نفر را بکنند خوب است از آن نزدیکها جائیکه نزدیک است جزء سبزوار بکنند و دو نفر نماینده بدهند نه اینکه در جائیکه پنجاه شصت هزار نفر نفوس دارد یک نفر وکیل بدهند و در جائیکه ۱۶۰۰۰ جمعیت دارد آن راهم يك نماینده بدهند و بنده باینجهت عرض میکنم که در شور دوم در کمسیون این حوزه بنده را تأیید بدهند محل انجمن جزء - سبزوار - مزینان .

رئیس - ایرادی نیست ؟ (گفتند خیر) محل انجمن مرکزی سبزوار .
رئیس - ایرادی که نیست گفته شد خیر نیشابور - و توابع یکنفر

حاج شیخعلی - با عرض میکنم نیشابور مطابق احصائیه جدیدیکه شده یکصد و چهل و نه هزار جمعیت دارد و یکصد و چهل و نه هزار نفوس یکنفر نماینده دادن صحیح نیست باز خوب است که یکجای دیگر را جزء نیشابور بکنند و دو نفر نماینده بدهند

معزالملك - در این حوزه بنده میگوید باید مجبوراً قبول کرد که در بعضی جاها شاید قدری زیادت باشد عیب ندارد و در مسئله سبزوار بنده با ایشان موافق هستم ولی در نیشابور نمیشود اینکار را کرد بجهت اینکه جای مناسبی که بشود آنجا را جزء کرد نداریم و از یک نفر وکیل زیادت هم با آنجا نمیشود داد و همانظوریکه نوشته شده صحیح است .

محل انجمن جزء نیشابور .
رئیس - مخالفی نیست ؟ (گفتند خیر) محل انجمن مرکزی - نیشابور .
رئیس - مخالفی که نیست ؟ (گفتند خیر) فوجان - شیروان - یکنفر .
رئیس - مخالفی نیست ؟ (گفتند خیر) محل انجمن جزء - فوجان - شیروان .
رئیس - مخالفی ندارد ؟ (گفتند خیر) محل انجمن مرکزی - فوجان .

رئیس - ایرادی نیست ؟ (گفتند خیر) جوین - بام - صفی آباد و سروایت - یکنفر .
معزالملك - خوب است اینحوزه همین - طروریکه گفته شد چون جمعیتش شصت هزار نفر است ضمیمه سبزوار بشود و يك حوزه هم در صفی آباد تشکیل شود و دو نفر نماینده داده شود .
رئیس - گفته شد پیشنهاد کنید که فرستاده

شود بکسیون (محل انجمن جزء - جفتای - بام . رئیس - مخالفی نیست) (اظهاری نشد) محل انجمن مرکزی - مشهد .

افتخار الواعظین - انجمن مرکزی سبزوار را سبزوار و انجمن مرکزی نیشابور را نیشابور و انجمن مرکزی قوچان و اقراچان و انجمن مرکزی بجنورد را بجنورد مبنی بر آنوقت انجمن مرکزی جویین و بام و صفی آباد را مشهد می نویسند بنده نمی دانم بجهت تمام این حوزه بندیهای که شده است صحیح نیست و بعقیده بنده اغلب آنها باید تغییر کنند .

بجنورد - استرین - جاجر - یکنفر .

رئیس - مخالفی نیست (اظهار شد خیر) محل انجمن - زه - بجنورد - میان آباد - جاجر .

رئیس - مخالفی نیست ؟ (گفتند خیر) محل انجمن مرکزی - بجنورد .

رئیس - مخالفی نیست ؟ (گفتند خیر) کلات درج - سرخس - یکنفر

افتخار الواعظین - کلات و درج و سرخس سه محل است و سه حاکم نشین دارد اگر می خواهند واقعاً باینها حق انتخاب نماینده داده شود باید ملاحظه شود که اینها چه شکل انتخاب خواهند کرد و چه شکل یکنفر نماینده خواهند فرستاد بنده نمیدانم کاهالی کلات سرخس خواهند رفت یا اهالی درج و کلات و سرخس خواهند رفت یا اهالی سرخس و کلات و درج خواهند رفت باید ملاحظه شود که این سه حاکم نشین چه شکل نماینده معین خواهند کرد باینکه انتخابات هم مستقیم باشد و فرستند آنجا که انتخابات کنند آنوقت هم نوشته اند که انجمن مرکزی این سه محل شهادت برون در مشهد معلوم کنند که اکثریت با کدام است کدام آنها نماینده خواهند بود بنده عرض میکنم که هیچکدام بهیچوجه در انتخابات محل دیگر شرکت نخواهند کرد و بشده نخواهند رفت .

ذکاء الملك (مخبر کبیسون) - بعد از همه این مذاکرات و بعد از اینکه اینجا نوشته شده است معلوم میشود آقای افتخار الواعظین تصور نموده اند که چه شکل انتخابات بعمل می آید اینجا کلات نوشته شده است که انجمن جزء در خود کلات است یا یک شعبة انجمن مرکزی که آنجا هست که رای میدهند انجمن در جزم در محمد آباد هست که جزء خود درج است در سرخس هم که در خود سرخس اهل این سه محل وقتیکه جمع شدند هر کدام علیحده رای دادند حالا این آراء را جمع کردند یکجا باید جمع بکنند و یکی باید تصدیق کنند که اکثریت با کیست و نماینده کدام است و این اختلاف بین ما هست که یکی از این سه محل کلات یا محمد آباد یا سرخس بگویند مرکز باشد یا یکجا اینکه در عرض هیچکدام نباشد که مشهد باشد چون هیچکدام به هیچیک از این سه محل رای نمیدهند لهذا مشهد را محل انجمن مرکزی قرار داده ایم .

افتخار الواعظین - توضیح دارم . رئیس - بفرمائید .

افتخار الواعظین - بنده عرض کردم که اهالی کلات و محمد آباد نخواهند رفت سرخس و همچنین اهالی سرخس نخواهند رفت بآندو محل و اهالی کلات و محمد آباد و هکذا اهالی سرخس نمیروند در مشهد این نمیشود باید انجمن مرکزی را در خود آن حول و حوش قرار بدهند که بروند آنجا معین بکنند که نماینده از این سه محل کیست و آن انتخاب بشود بیاید بطهران .

رئیس - این توضیح نبود محل انجمن جزء کلات محمد آباد - سرخس .

رئیس - مخالفی نیست ؟ (گفتند خیر) محل انجمن مرکزی مشهد .

رئیس - مخالفی نیست ؟ (گفتند خیر) سیستان نه بندان یکنفر .

معدل الدوله - چنانچه عرض کردم نهبندان هیچ ربطی سیستان ندارد و باید موضوع شود و سیستان اگر چه وسعتی ندارد و بیش از بیست فرسخ در بیست فرسخ نیست و وسعت زیادی ندارد و لکن بواسطه اهمیت موقعی که دارد باید یک نماینده بآنجا داده شود و آنجا را مرکز انتخاب کنند بنده باز یک پیشنهاد کرده ام که مطابق نقشه که کشیده ام که خود سیستان را مرکز انتخابات قرار بدهند و چون اطلاعات کامل دارم در این خصوص است که موافق این پیشنهاد بنده حوزه بندی بشود که انتخابات صحیح خواهد شد محل انجمن جزء نصرت آباد رفته .

رئیس - مخالفی نیست ؟ (گفتند خیر) بقیه اش میماند برای جلسه آتی - رابورت کبیسون بودجه راجع به ورثه مرحوم و کیلالتجار فرائت میشود و رای میگیریم (ببابت ذیل فرائت شد) .

لایحه که وزارت مالیه راجع بوراث مرحوم و کیلالتجار فرائت گردید نظر بنده ماینکه مرحوم و کیلالتجار از ابتدای مشروطیت و دوره انقلاب در راه آزادی نموده وزارت مالیه پیشنهاد نموده بودند مبلغ پنجاه تومان ماهیانه در باره وراث قانونی مرحوم مزبور برقرار شود پس از مذاکرات لازمه کبیسون با اکثریت ماهیانه بیست تومان تصویب نمیشاید ماده - مبلغ بیست تومان ماهیانه در باره وراث قانونی مرحوم و کیلالتجار یازده ساله برقرار میشود

رئیس - مخالفی نیست ؟ (کسی اظهاری نکرد)

رئیس - رای میگیریم باین ماده واحده آقایانی که این ماده را تصویب مینمایند و رفق سفید خواهند داد (اوراق رای اخذ و آقای حاج میرزا رضا خان بترتیب ذیل احصا نمود) ورقه سفید (۲۹) آبی (۱) بلااسم یک

رئیس - بلا تکلیف ماند - دو فقره لایحه از طرف وزارت خارجه فرستاده شده است یکی راجع باتومبیل و یکی راجع بلوله کشی از انزلی پرشت چون باید تکلیف این هر دو مورد معین شود خواهش میکنم که کبیسون خارجه و کبیسون فوائد عامه امروز سه بیروم مانده منقد شود و باین دولایحه رسیدگی کنند و زودتر رابورت بدهند دستور روز شنبه ۲۴ (۱) بقیه قانون انتخابات (۲) رابورت کبیسون بودجه راجع بتجدید کنسرات معلین ارویائی (۳) رابورت کبیسون بودجه راجع به ورثه فتح الله خان و میرزا جواد مجاهد .

افتخار الواعظین - رابورت کبیسون فوائد عامه راجع با اجازه چرم سازی بجلا بایاس مدتی است از کبیسون فوائد عامه گذشته است و از فرادیده که شنیده میشود اسباب و ادوات و ماشین آلاتش را هم خریده و آورده است و فقط معطل اینست که ببیند این اجازه از مجلس میگردد یا خیر؟ اینست که عرض میکنم اگر ممکن است در دستور روز شنبه گذاشته شود .

رئیس - وقت نخواهیم داشت چون کثرت مدهین ارویائی مدتی است منقضی شده است او را نمیشود مقدم داشت و قانون انتخابات را هم نمیشود عقب انداخت . ممکن است او را برای جلسات بعد قراردادیم مخالفی نیست (اظهاری نشد) (مجلس ده دقیقه بعد از ظهر ختم شد) .

جلسه ۲۸۶ صورت مشروح مجلس روز شنبه ۲۴ شهر شعبان ۱۳۲۶

رئیس آقای مومنین الملك سه ساعت قبل از ظهر بجای خود جلوس نمودند و بعد از یک ربع مجلس افتتاح گردید آقای آقای میرزا ابراهیم خان صورت جلسه قبل را فرائت کردند (غائبین جلسه قبل) آقایان طباطبائی و دکتر حاج رضا خا با اجازه غائبین بدون اجازه آقای ناصر الاسلام . آقای دکستر امیر خا . آقای میرزا اسدالله خان آقای میرزا علی اکبر خان . آقای دکتر لغمان آقایانیکه از وقت مقرر تأخیر نمودند آقای حاج سید نصرالله آقای وحید الملك آقای مساوات آقای خیابانی آقای آقا شیخ رضا - آقای شیبانی آقای دکتر علیخان - آقای حاج آقا - آقای علی زاده آقای مشیر حضور - آقای معدل الدوله هر یک بمساعت آقای متین السلطنه - آقای میرزا رضای مستوفی . ه دقیقه آقای حاج وکیل الرعایا آقای آقا سید محمد باقر ادیب . ه دقیقه آقای مدرس آقای حاج امام جمعه . ه دقیقه آقای بهجت ه دقیقه .

آقا سید حسین اردبیلی - در خصوص عده نمایندگان مشهد بنده را با آقای افتخار الواعظین و معزز الملك موافق نوشته بوده در عده سه نفر در صورتیکه بنده عده نوزده شهر مشهد و توابع را چهارصد هزار تخمین میکردم و باین ملاحظه ۳ نفر را کم میدانستم و اعتقاد بنده این بود که چهار نفر معین شود و چون اظهارات بنده در مقابل بیانات آقای معزز الملك بود و ایشان فرمودند عده نفوس آنجا صد و شصت هزار نفر است و موافق عقیده ایشان بایستی برای مشهد یک نفر معین شود این بود بنده عرض کردم اقلاً باید بدهد که کبیسون معین کرده است تنزل کرد و سه نفر قائل شد والا بعقیده بنده لازم است ۴ نفر معین شود

رئیس - صحیح است اصلاح میشود دیگر مخالفی نیست در صورت مجلس (اظهاری نشد)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد دستور امروز بقیه قانون انتخابات (بترتیب ذیل فرائت شد) شیراز و حومه و زرقان و کسوار و کور (معه نمایندگان) سه نفر .

رئیس - مخالفی با عده هست .

حاج آقا - بنده مخصوصاً ترتیب حوزه بندی فارس را می بینم بکلی خارج از تمام ترتیبات است که بهیچوجه نمیدانم این چه میزان حوزه بندی شده است و همچنین در عده ها که در حوزه بندیها نوشته اند بدون تناسب است و همچنین محلهائی هم که برای انجمن ها نوشته اند بدون تناسب است و بنده اگر وزیر داخله بود عرض میکردم خوب بود کسانیکه در فارس حکومت کرده اند یا اشخاصیکه در فارس و اطراف آن عاملی کرده اند و قدری اطلاع دارند آن ها را بیآورند در کبیسون انتخابات یا در محلی که برای حوزه بندیها مرتب شده است در وزارت داخله آن ها را حاضر میکردند و یک تحقیقی از آن ها میکردند تا اینکه یک حوزه بندی مرتب میشد و این حوزه بندی که شده است بکلی بی ترتیب شده است و هیچ تناسب ندارد و تناسب بلوک را توابع بلوک را یا مرکز بلوک را درست ملاحظه نکرده اند و خودشان از روی یک نقشه های دیواری که خودمان دیده ایم برداشته اند حوزه بندی کرده اند بترتیب صحیح حوزه بندی در این قطعات شده است و طوری نبوده است که بحسب قطعات مراکز آن ها را بداند و حوزه بندی بکنند از جمله شیراز و حومه و زرقان و کواره برداشته اند یک حوزه کرده اند و محل انجمن جزیش را هم شیراز کرده اند و جزء کردن کواره و جعفر آباد و کورم را به شیراز بنده بکلی مخالفم بواسطه اینکه شیراز خودش دارای سبده هزار جمعیت است و خودش قابل سه نفر نماینده هست و زرقان خودش قصبه بزرگ است و لایق است که یکنفر نماینده باو بدهند .

حاج سید ابراهیم - بنده عرض میکنم در این حوزه بندی هائی که برای فارس شده بالنسبه بهتر از حوزه بندی است که در وزارت داخله شده بود و بکبیسون فرستاده بودند چون آن ناقص بود بعد بعضی از وکلای فارس در کبیسون حاضر شدند و آقای آقا شیخ علی بنده بودیم نشستیم و مطالباتی کردیم دیدیم که واقعاً اگر بخوایم قسمی رفتار کنیم که هیچ بلوکی از انتخابات خارج نشود باید بیست و سه چهار نفر وکیل بدهیم فارس بنده هم چون عقیده ندارم باینکه عده و کلاه را زیاد بکنیم بجهت اینکه آن وقت باید حوزه های انتخابیه را خیلی کوچک کرد و این ترتیب هم اسباب تأخیر آمدن آنها میشود و هم اسباب زحمت برای آنهاست که باید متصدی عملیات انتخابات شوند و هم این که آن نتیجه مطلوبه از نمایندگان دعوت گرفته نمیشود و همین عده و ۱۴ نفر بجز ایلات که آنها ۲ نفر حق نمایند دارند کافی است بترتیب تسهیلی در ترتیب انتخابات که واقعاً زود بیایند بهتر از این که عده زیاد شود و نیایند و این که در اینجا شیراز نوشته شده است با حومه او حومه شیراز تا فرسخی تقریباً و لکن چون نمیشد زرقان که فرسخی است یک حوزه باشد و یکنفر هم بآنجا بدهیم و کواره هم که از فرسخی تا هشت فرسخی است آنها هم یک حوزه باشد و یکنفر بآنجا بدهیم و جعفر آباد هم که فرسخی است یک حوزه قرار بدهیم بجهت این که اگر میخواستیم باینجا ها بهر یک یک حوزه بدهیم آن وقت عده نماینده بالغ به ۲۰ و ۳۰ نفر میشد پس آمدیم حوزه بندی خود شیراز را تا حد ۶ فرسخ ۸ فرسخ قرار دادیم

و یک حوزه انتخابیه معین کردیم و انجمن مرکزی هم که در شیراز است در یکی از مواد هم نوشته شده است که انجمن نظارت مرکزی خودش میتواند عنداللزوم شمه معین کند یعنی اگر صلاح بداند در زرقان یک شبه انجمن نظارت تشکیل تا این که آنها هم بتوانند بر احوالی خودشان را بدهند و این ترتیب بهتر است از این که این نقاط را حوزه های مختلف و غیر مرتبط یکدیگر کنیم و اشکال و مقصود آقای حاج آقا این است که یکنفر نماینده بخود زرقان باید داد بنده این را رد میکنم بجهت این که عده خود زرقان صد هزار نفر نیست ولی اگر ما بتوانیم حوزه انتخابیه را وسیع تر کنیم و عده را بیش از یکنفر کنیم بهتر است و عقیده ام این است که اینطور که الان نوشته شده خیلی بهتر است بجهت این که هم از اشخاص ایسر و اهلم انتخاب میشوند و هم انتخابات زودتر تمام میشود و عقیده بنده این است که چه در انتخابیه در ایلات و ولایات هر قدر که مسکن است باید حوزه انتخابیه را وسیع تر کرد و عده و کلاه را هم نسبت بآنها عده آنها زیاد کرد و بشیر مرکز انجمن نظارت برای آنها قرار داد و در صورت لزوم بتوانند شمه دهند نمایند که فقط اهتمامان در زیاد کردن عده باشند زیرا در صورتیکه نمایند حاصلی ندارد بجهت اینکه آنچه عملیات دوره های سابقه معلوم داشت این است نمایندگانی که حقیقه عالم بقضیات وقت و دانا سیاسات منسکتی باشند تا اندازه منحصراً است بشهر های بزرگ و در دهات آن جور اشخاص غالباً کم است و بواسطه اشکالات در مقام عمل قسمی میشود که بزودی نماینده و آن نتیجه مطلوبه را هم ندارند و این حدودی که معین شده است یعنی این نقاطی که معین شده است بیان حد این حوزه انتخابیه را میکند که از یک طرفش تا پنج فرسخ و از بظرفش تا هشت فرسخ و از یک طرفش چهار فرسخ است که این یک حوزه انتخابیه است و بعضی قطعات دیگر هم هست و اسامی برده شده است بجهت اینکه مقصود اشاره اجمالی به نقاط مهمه بود و لازم نبود اسم تمام دهات را بنویسیم لکن بطور کلی عرض میکنم چنانچه مجلس عرض بنده را قبول کند و حوزه های انتخابیه را قدری وسیعتر بکند و بر عدد آنها بیفزاید بهتر است و از این جهت بنده موافق بودم اینکه از این میزانی که معین شده است حوزه شیراز را نمیشود کوچکتر کرد در این حرفی نیست و اشکالی ندارد نهایت اگر انجمن مرکزی لازم دانست در هر نقطه که صلاح باشد و لازم باشد یک شبه انجمن نظارت معین میکند و هیچ ضرری هم ندارد و افاضاً خوب است از انتخابات عملی دوره های گذشته تجربه حاصل کرده باشیم بترتیبی بدیم که نمایندگان از اشخاص عالم انتخاب بشوند و بزودی بیایند .

آقا شیخ علی شیرازی - عرض میشود غیر از این خرابی خرابی دیگر هم دارد بواسطه اینکه بلوک بیضار هم باید جزء این نوشته باشند از قلم افتاده است این بلوک معروف است و ما هم جزو کرده بودیم و بلوک سیاح و سروستان و بلوک کوه مره خود حومه شیراز که ۱۶ فرسخ طول و فرسخ عرض دارد و مسجدی که دوازده چهارصد باغ دارد آن هم داخل همین است لیکن از بابت

لا بدی دیدیم که غیر از این چاره نیست و ترتیب دیگری نمیشود کرد و پیش از چهارده نفر هم نمیتوانستیم عدد نمایندگان را قرار بدیم .

رئیس - شما موافق بودید .

آقا شیخ علی شیرازی - خیر مخالفم با اینکه آن نقاط نوشته شده بود باید آن نقاط هم جزء شود بلوک بیضا و سیاح و سروستان و غیره آنها هم جزء شود .

رئیس - گویا مذاکرات کافیست .

بهجت - این راپورت کلیه مخالف با آن نظری است که کبیسون داشته است نظر کبیسون بر این بوده است که تمام آن بلوکات را انجمن جزء بدهند حالا اگر آقای حاج سید ابراهیم نظرشان بر این است که انجمن های جزء شاهنشاهی باشیم و شعبات انجمن مرکزی باشد ولی میخواستیم عرض کنم این بکلی برخلاف نظر کبیسون است کبیسون نظرش بر این بود که برای هر نقطه که دور دست هستند یک انجمن جزء تعیین شود برای اینکه این حق مشروعی است که باید بآنها داده شود و لهذا آنچه نسبت بشیراز داده اند غلط است بجهت اینکه خود زرقان یک شهر است که بنده دیده ام تقریباً هفت هزار جمعیت دارد گواهم هم خودش یک بلوکی است که قصبه دارد و جمعیت قابلی دارد و همچنین جعفر آباد اینها هر یک لایق هستند که یک انجمن جزئی داشته باشند و اینکه منحصراً بکنیم بشیراز بعقیده بنده ابطال حقوق آنهاست معنیش این است که بصد و سی هزار جمعیت ما نخواهیم حق انتخاب بدیم بجهت اینکه شاید انجمن نظارت انجمن مرکزی دلش نخواست که در زرقان شمه از خودش داشته باشد لهذا بنده پیشنهاد میکنم که اسم نقاط دیگر هم برده شود و معین بشود که در تمام اینها انجمن جزء تشکیل بشود

حاج سید ابراهیم - فرض اگر محروم نکردن از انتخاب است همان شمه انجمن نظارت مرکزی که در تحت مراقبت و مسئولیت انجمن مرکزی باشد برای تسهیل امر انتخابات بهتر است و برای اجراء عملیات انتخابات کافی است و اینکه میگویند شاید انجمن مرکزی نخواهد شمه در آنجا تعیین نماید مثل این است که بگوئیم شاید انجمن مرکزی نخواهد انتخابات بعمل بیاید این نمیشود ما فرض کردیم انجمن نظارت مرکزی را که از اشخاصی انتخاب بشوند که امین ملت و آقایان و مسئول انتخابات باشند و آقایان تصدیق خواهند کرد که منتخبین آن ایالت با ولایت را چطور میشود بگوئیم که آنها نخواهند شمه تشکیل کنند در صورتیکه لازم باشد البته اگر لازم شود یک شبه از انجمن نظارت مرکزی تشکیل میکنند و هیچ داعی نیست که یک انجمن جزء معین کنند که در عملیات انتخاب مسئول یک مرکز نظارتی نباشند باید دید که فایده انجمن جزء چیست و چه فایده در نظر دارند از تشکیل آن مرکز فایده اش این است که اهالی آن نقاط جزء بیایند و رای بدهند این فایده در انجمن مرکزی هم هست اگر مقصود استقلال آنهاست در انتخابات با فرمان علی معلوم شد که باعث اشکال در انتخابات خواهد شد و اگر در تبریز و سایر نقاط هم همین طور بود یعنی شعبه انجمن مرکزی را در نقاط لازم قرار میدادیم و حوزه انتخابیه را وسیع تر می نمودیم

و بعد نمایندگان رایزتر میکردیم خیلی آسان‌تر و بهتر بود و عرض کردم برای اینکه نمایندگان هم زودتر بیایند هم اعراف بحال نمایندگان و تکالیف خودشان باشند بقیه بنده باین ترتیب همین قسم خیلی خوب است و اینکه میفرمایند باید اسم تمام دهات بلوک را ببریم ممکن نیست این چند تقاطعی هم که نوشته شده است حداین حوزه انتخابیه است و شعبه انجمن نظارت هم برای آن بلوک کافی است .

حاج آقا - بنده یک وقت می‌بینم که در انتخابات مستقیم و غیر مستقیم مذاکره میکنیم تمام حساب خود را اظهار میدارند که باید افراد ملت از حقوق خودشان در موقع انتخاب استفاده و استیفاء کنند ولی در موقع تقسیم که آنها باید از حقوق خود استفاده نمایند يك شكلی ترتیب میدهم که تمام افراد بتوانند استیفاء حقوق خودشان را بکنند بنده نمی دانم که اگر يك مرکزى نسبت بسایر جاهای دیگر ۲۰ فرسخ طول راه داشته باشد اهالی آن قصبه و آنجا که ۲۰ فرسخ دور هستند در این مدت انتخاب که یازده روز بیشتر نیست چطور میتوانند بر خیزند و بیایند در آنجا رای خودشان را بدهند و بروند در تمام ایران از همه آقایان نمایندگان سؤال می‌کنم که همچو چیزی را تصور می‌کنند یا نمیکند که يك نفر دهانی از بیست فرسخ راه بر خیزد بیاید که در موقع رای دادن رای خودش را بدهد همچو چیزی شده تصور میکنند اگر شده تصور میکنند بنده هم حاضر و محرفی ندارم اگر باندازه عنایت پیدا کرده‌اند که از جهت حفظ حقوق خودشان بیایند و تعرفه بگیرند و رای خودشان را بدهند بنده حرفی ندارم و از آن طرف هم که میگویند اگر ما حوزه بندی را زیاد بکنیم میترسیم که عده نمایندگان زیاد شود اگر مدد نفوس اینقدر هست که زیاد شود چه ضرر دارد چرا در يك مورد عده نفوس هم اگر زیاد شد میگویند عده نماینده زیاد نشود و در جایی دیگر که عده کمتر است عده نماینده را زیادتر معین میکنند و یا کسی هم نمایندگی در يك موقعی میفرمایند چون میترسیم عده زیاد شود این کار را میکنیم تمام اینها را که ملاحظه کنید میدانید هیچ تناسب ندارد مثلا از چهار یا از آخرین حومه فارس اگر بر خیزد بیاید در شیراز رای بدهد باید ده فرسخ یازده فرسخ راه طی کند از زرقان که خودش يك قصبه معتبری است باید هشت فرسخ راه طی کند بیاید رای بدهند یا بگویند ابدأ آنها حقوق انتخابیه ندارند و باید ازین بروند یا اینکه برایش يك انجمن جزئی معین کنند بنده عرض می‌کنم اینها بعرف ما نیست نه بنده نه آقا نه سایرین و هیچکدام از ماها که نشسته‌ایم رای میدهم اطلاع کامل نداریم نباید آن وزیر داخله که حوزه بندی میکند يك تکه کاغذ جلو خودش بگذارد و حوزه بندی بکند و بیارود در مجلس شورای ملی بلکه کسانی که عاملی کرده‌اند آن هارا بخواهد يك صورتی بنویسند بیاروند از روی بصیرت يك حوزه بندی بکنند و بنده که بسی اطلاع هستم و مسافر نمی‌توانم آن و ترتیب آن جا هارا نمیدانم میدانم که اینها بی ربط است چه رسد بآن کسیکه عاملی کرده است و اطلاعات دارد ملاحظه بفرمائید از آباء تاده بید که حوزه بندی

ص کرده اند تمام انجمن جزء آن وقت باید چنین چیزی که نوشته ایم چطور میشود که بگوئیم آن ها از حقوق خودشان استفاده کنند و واقعا انتخاب کرده باشند و ما وکیل را وکیل آن هابانیم .

ذکاء الملک - این مذاکراتیکه این جا میشود بنظر بنده زیاد است تمام این مذاکرات گفته شده و معلوم شده است آقا اگر میدانند غلط است فوراً پیشنهاد کنند که بهلان ترتیب فلان حوزه بندی اصلاح شود و اگر بنا باشد که ما درس هر حوزه بندی مختصری که شاید هفتاد هشتاد تایی دیگر آن باقی مانده اینقدر مذاکره بکنیم مدتی این قانون میماند و نمیگذرد همه ما ها اینها را تصدیق داریم و مقصود ما این بوده است که يك ترتیبی بدیم که سهل باشد برای این که تمام مردم بتوانند رای بدهند و برای این بود که انجمن جزء معین بکنیم والا نییاستی مامین بکنیم چنانچه بعضی هم مغانند حالا هم هر جا که می بینند عیبی دارد فوراً پیشنهاد کنند برود بکمیسیون مذاکره کنند که بلکه زودتر بگذرد .

رئیس - دیگر مخالفی نیست (اظهاری نشد) محل انجمن مرکزی - شیراز

رئیس - مخالفی نیست (گفته خیر) آباء و سوزمق - ایزد خواست - چهار دانگه اقلید - بهمن اطراف ده بید و اطراف یکنفر .

آقا شیخعلی - هدید رای بی جهت نوشته اند جزء اینجا نیست بنده هم در کمیسیون عرض کردم که جزء جای دیگر است پیشنهاد میکنم . محل انجمن جزء - آباء - اقلید - ده بید .

رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد) محل انجمن مرکزی آباء .

رئیس - مخالفی نیست .

بهجت - باز اینجا متذکر میکنم خاطر آقایان را و بنده در جزئیاتش کلیتاً عرضی ندارم ولی کمیسیون رأش بر این بود حتماً اینکه حکومت نشین متعدد دارد باید انجمن مرکزی آنجا راجع شود بر مرکز کل برای آن بیاناتی که شد لهذا این انجمن های مرکزی که نوشته شده است مخالف است تا نظری کمیسیون حالا نظر يك و کلبی این باشد بنده در راپورت کمیسیون حرف میزنم و این مخالف نظر کمیسیون است بجهة اینکه آباء و اقلید دو حکومت نشین است .

حاج سید ابراهیم - بنده عرض میکنم که آقایانیکه اشکال میکنند خوب است اول تحصیل اطلاع کنند و راه بهتری بنظر بیاروند آن وقت زرقان راهش فرسخ دور از شیراز بگویند با اقلید را خارج از حکومت نشین آباء فرسخ بکنند و این ترتیب موافق بانظری است که کمیسیون در باب حوزه بندی داشته است بجهت این که حکومت نشین آن جاها آباء است جاهای دیگر هم که هست جزء آباء است از این جهت اسم آباء برده شده است که محل حکومت نشین آن نقاط است بوانات - مشهد مادر سلیمان - ارسنجان سیوند - دشت امام زاده اسمعیل اطراف یکنفر .

رئیس - مخالفی نیست ؟ (اظهاری نشد) محل انجمن جزء عباس آباد - ارسنجان - دشتک .

رئیس - مخالفی نیست ؟ (اظهاری نشد) محل

انجمن مرکزی - ارسنجان .

رئیس - مخالفی نیست ؟ (اظهاری نشد) دازاب چهار و معین تابع و نما اطراف و خضروسروستان اطراف - یکنفر .

رئیس - مخالفی نیست ؟ (اظهاری نشد) انجمن جزء - داراب - قسا سروسستان .

رئیس - مخالفی نیست ؟ (گفته خیر) محل انجمن مرکزی قسا

رئیس - مخالفی نیست کویال - مرودشت اصطهبانات و اطراف - نیریز و چهار ممدن تابع یکنفر .

رئیس - مخالفی نیست ؟ (اظهاری نشد) محل انجمن جزء اصطهبانات - نیریز .

رئیس - مخالفی نیست ؟ (مخالفی نبود) محل انجمن مرکزی - اصطهبانات (مخالفی نبود) فورک و اطراف - طاروم و اطراف عباس و رخوان احدی و میناب - یکنفر .

حاج سید ابراهیم - اینجا يك اشکالی هست که بعد هم مبتلا میشویم شاید نظر نمایندگان در این است که این تحقیق صحیح نیست و آن این است که در حوزه بندی که در سابق شده بود اشتباه شده است یعنی در ترتیب انتخابات دوره پیش اشتباه کرده بودند که بنا در فارس راهم جزء فارس نوشته اند و حال اینکه هیچ مناسبتی ندارد و حکومت آنها علیحده است و مستقیماً از مرکز میروند و سایر ترتیبات آن مستقیماً مربوط به مرکز است ربطی بفارس ندارد مگر اتصال خاک آنجلدر این دوره هم این حوزه بندی که شده است و جزء فارس نوشته اند مثل اینکه عباس و میناب و چند بنادر دیگر هم هست که اینها حکومتشان علیحده و جزء حکومت بنادر است و هیچ جزء فارس نیست فقط قرب جواد دارند حالا بنده در این مطلب اساساً مخالف یعنی اگر کمیسیون ملاحظه کند که اتحاد حکومت یعنی آن حوزه که در تحت يك حکومت باشد که يك حوزه انتخابیه شود اینجا عباس را باید مجزی کنند و منحصر کنند بهمان فورک و طاروم واحدی و جمعیتش هم از صد هزار کمتر نیست و اگر خواسته باشند که زودتر بیایند باید عده بنادر را علیحده کنند پس نباید سببه را بنویسد از این جهت عباس را باو ملحق میکنند پس باین نظر عباس و میناب را نمی توان جزء فارس کرد مگر از روی اضطرار .

رئیس - دیگر مخالفی نیست ؟ (اظهاری نشد) محل انجمن جزء - فورک - طاروم - عباس .

رئیس - مخالفی نیست ؟ (گفته خیر)

بهجت - عباس را مرکز انتخاب فرادادن خیلی غریب تر از آن سابق ها است بجهة این که عباس جزء بنادر است ولی بعضی جاهای دیگر که نوشته شده است جزء فارس است که مرکزش باید شیراز باشد . در عباس عباس باید در بوشهر مرکز باشد بجهة این که جزء بنادر است و خودش بندر معتبر است و کلیه این ترتیب باید تغییر بکنند لار و اطراف و جوئیم بستک و سببه جات لنکه و خارک و اطراف یکنفر .

رئیس - مخالفی نیست

آقا شیخعلی - بلار و اطراف باید بیش از

یک نفر داده شود بواسطه این که لار و سببه جات ۱۸ هزار تومان مالیات بدولت میدهند و بقدر يك قطعه مازندران مالیات بعضی اواست و خارک هم غلط است چارک است .

بهجت - اگر چه آقای معیر فرمودند که هر کس حرفی داشته باشد یا اطلاعی دارد پیشنهاد بکنند ولی در این خصوص بهتر آن است که مذاکره هم شود که در کمیسیون اسباب اشکال نشود بنادر يك حکومت نشینی است علیحده و تقریباً ۱۰۰ سال است از فارس مجزی است از دهته شط العرب گرفته تا کنار دریای هند امتداد پیدا میکند تقریباً ۶۰ فرسخ است و ۳۶۰ جزیره بنادر است و عده نفوسش هم تقریباً شاید يك کرور بالغ شود اهمیت سرحدی و مقیاس آن را هم که آقایان بهتر از من میدانند و دروازه ایران است و ما آمده ایم خورد کرده ایم بنادر را توی فارس مثلا آمده ایم عباس را هم جزء فارس کردیم بوشهر جزء دشتی و دشتستان شده است لنکه جزء چارک شده است کلیتاً این شکلیا که در کمیسیون ترتیب داده اند تصور میکنم هیچ نماینده از بنادر نخواهد آمد مثل این که در سابق ۲ نفر وکیل بنادر داده شده بود و تا اکنون آن دو نفر وکیل نامیده اند و بهمان جهت يك خسارتی بسا وارد آمد پیش از این طول نیدهم ممکن نیست يك حکومت نشین را جزء بکنند در ذیل حکومت نشین دیگر و اعلان انتخابات آنها را بدهند هیچ ممکن نیست بجهت اینکه انتخاباتشان هم خیلی اسباب اشکال و هم تأخیر میشود و همه آقایان هم مسبوقند خصوصاً با این امتداد خاک که هست و بنده يك پیشنهادی کرده ام که چهار حوزه معین شود که يك حوزه لنکه و یکی عباس و یکی بوشهر باشد و به بنادر نسبت بآن عده که داده شده است یک نفر علاوه خواهد شد و تقدیم میکنم که در کمیسیون مذاکره شود .

رئیس - چون مفصل است قرائتش گویا لازم نباشد فرستاده میشود بکمیسیون - محل انجمن جزء - لاروستک و لنکه

رئیس - مخالفی نیست ؟ (مخالفی نبود) محل انجمن مرکزی - لار (مخالفی نبود) چهارم و اطراف - فیروز آباد - میند و فراش بند و اضراف یکنفر

رئیس - مخالف ندارد (اظهاری نشد) انجمن جزء - چهارم و فیروز آباد و فراش بند (مخالفی نبود)

انجمن مرکزی فیروز آباد - (مخالفی نبود) کازرون و اطراف و خشت و اطراف یکنفر

رئیس - مخالفی نیست ؟ (اظهاری نشد) محل انجمن جزء کازرون - خشت (مخالفی نبود) محل انجمن مرکزی - کازرون (مخالفی نبود) دشت دشتستان - بوشهر - تنگستان - یکنفر

رئیس - مخالفی نیست - انجمن جزء - خورمچ - برازجان - بوشهر (اظهاری مخالفی نشد)

انجمن مرکزی - بوشهر (مخالفی نبود) مسنی کامفیروز و اردکان و اطراف یکنفر

رئیس - مخالفی هست ؟ (مخالفی نبود) محل انجمن جزء - فهلیان اردکان (مخالفی نبود) محل انجمن مرکزی اردکان .

رئیس - مخالفی نیست - اظهاری نشده بندر دیلم و اطراف بهبهان و اطراف کوه کلبویه یکنفر

رئیس - مخالفی نیست ؟

بهجت - باز همان نظر سابق خود را تکرار میکنم بجهت اینکه بندر دیلم جزء بنادر است و مجزی شدن و جزء فارس شدن صحیح نیست بجهت اینکه بهبهان خودش جای وسیعی است و دارای جمعیت زیاد و محتاج باینکه این بنادر جزء او شود صحیح نیست و تقاطعی که باید در آنجا انجمن جزء داشته باشد درست بر آورد نشده است و بنده يك پیشنهاد میکنم و تقدیم میکنم .

رئیس - جزء آن پیشنهاد مگر نیست .

بهجت - آن پیشنهاد راجع بدشتی و دشتستان و غیره است و این پیشنهاد غیر از آن است .

رئیس - عده نمایندگان چهارده نفر مخالفی هست ؟

حاج آقا - بنده در حوزه بندیها چون تمام را غلط میدانم هیچ اظهاری نکردم همان عقیده اولی خودم را دارم تا بعد در کمیسیون اظهار نمای ولی در عده و کلای شیراز و بنادر سؤال میکنم از معیر محترم کمیسیون و کلای محترم که بچه نظر و کلای فارس و بنادر ۱۴ نفر معین کرده اند در صورتیکه خاک آذربایجان نسبت بخاک فارس و بنادر چهار سبب است ولی جمعیت آذربایجان بالنسبه خودش البته بیشتر از فارس است ولی وقتی مناسب است این دو جا را ملاحظه بکنیم می بینیم اگر جمعیت آذربایجان را پنج کرور میزان گرفته اند فارس و بنادر هم کمتر از پنج کرور اند بواسطه اینکه آذربایجان را هر دو هزار جریبه نفر نوشته اند به نسبت جمعیت آنجا بخودش و فارس را هر هزار جریبه یکنفر چنانچه عرض کردم وسعت خاک آذربایجان نسبت بخاک فارس چهار سبب است ولی جمعیتشان باهم مساوی است اگر چه آذربایجان نفوسش بیشتر است و بر جمعیت تر است با وجود این بنادر فارس مسلماً يك کرور جمعیت ندارد که قصبه بقصبه و قریه بقریه اگر گردش بکنند معلوم میشود که يك کرور هم بیشتر است و فارس هم چهار کرور دو این صورت نمیدانم چرا ۱۴ نفر میزان گرفته اند و کلای فارس و بنادر را اگر تعداد نفوس فارس را بگیریم سه کرور الا دوست هزار نفر است بنابراین ۱۴ نفر میشود و باین ترتیب نمیدانم کدام جغرافی و کدام احصائیه است که نفوس فارس را اینطور قلم داده باشد همان طور که عرض کردم باید يك میزان بدست گرفت اگر بهر صد هزار نفر است که باید يک وکیل انتخاب نمایند که ۲ نفر باید انتخاب بشود و از آن نظر که آقای حاج سید ابراهیم فرمودند بنده حالا در آن صحبت نمیدارم که عده زیاد نشود صد و پنجاه هزار نفر یکنفر بگیرند یا اینکه بیزان دوست هزار نفر یکنفر بگیرند اینکه نمیشود در يك قطعه مملکت از صد هزار نفر یکنفر بگیریم و از يك قطعه دیگر طور دیگر و از يك قطعه دیگر چون نفوسش زیادتر است کمتر یعنی بهر قطعه یکنفر بدیم ولو اینکه عده شان دوست هزار نفر باشد این را بنده موافق هیچ منعقی نمیدانم این را عرض میکنم که

عده نفوس و کلای فارس را خیلی کم نوشته اند بالنسبه بنفوسی که حق انتخاب دارند در صورتی که باید فرقی نگذارند بین فارس و سایر قطعات دیگر بواسطه اینکه هم اهمیت یلتیکی دارد و هم مالیات بنده است هم حق استفاده اهالی این خاک کمتر از سایرین نیست .

ذکاء الملک - اولاً عرض می‌کنم که کمیسیون نظریه باین نداشته است که مابین ولایات و ایالات فرقی بگذارد و اینهم که اینطور نوشته شده است بواسطه این بوده است که میزانی که از طرف وزارت داخله شده بود بعضی نمایندگان در آن میزان تصرف کردند و بعضی تصرف نکردند این است حالا هم باز عرض میکنم که اگر میخواهند تغییری در حوزه بندی داده شود تشریف بیاورند در کمیسیون مذاکره کنند تا يك ترتیب صحیحی داده شود .

رئیس - گویا مذاکرات در این خصوص کافی است - گروس - یکنفر .

رئیس - مخالفی نیست ؟ (اظهاری نشد) محل انجمن مرکزی - بیجار .

رئیس - مخالفی نیست ؟ (اظهاری نشد) ملایر و تویسرکان و نهاوند دولت آباد یکنفر .

رئیس - مخالفی نیست ؟

حاج مصدق الممالک - اینجا حوزه انتخابیه رامینوسند دولت آباد و حال آنکه باید نوشته شود ملایر دولت آباد اسم خود شهر است و اینجا باید ملایر بنوشته ولی در باب یکنفرش عرضی ندارم اما این نظر را باید اصلاح کرد .

رئیس - پیشنهاد کنید - انجمن جزء - دولت آباد .

رئیس - مخالفی نیست ؟ (اظهاری نشد) محل انجمن مرکزی - دولت آباد .

رئیس - مخالفی نیست ؟ (اظهاری نشد) نهاوند تویسرکان - کنگاور - یکنفر .

رئیس - مخالفی نیست ؟

حاج مصدق الممالک - اینجا نهاوند تویسرکان کنگاور را یکنفر نوشته اند و خیلی کم است بجهة اینکه تویسرکان خودش پنجاه هزار جمعیت دارد نهاوند اگر بیش از هشتاد هزار جمعیت نداشته باشد کمتر ندارد کنگاور را هم آورده اند اینجا جزء کرده اند و بنده يك پیشنهادی کرده ام که کنگاور و اسد آباد و خزل را روی هم رفته یکنفر بنویسند و تویسرکان و نهاوند هم یکنفر داشته باشد .

محل انجمن جزء نهاوند - تویسرکان کنگاور

رئیس - مخالفی نیست - محل انجمن مرکزی دولت آباد .

رئیس - عده نماینده برای ملایر و تویسرکان دونفر مخالفی نیست .

لواء الدوله - بنده مخالفم با دونفر بجهت اینکه جمعیت این سه ولایت باید دوست و هفتاد هزار نفر باشد آن وقت ظنم میشود که برای سی هزار نفر يك نماینده کسر بکنیم زیرا جا های دیگر که تقریباً هفتاد هزار دارد يك وکیل دادیم بجهت اینکه پنجاه هزار نفر دارد يك وکیل دادیم بجهت اینکه احصائیه نداریم اگر بنا است که بگوئیم بجهت دلیل

۲۷۰ هزار نفر جمعیت دارد عرض میکنم فلان جابجه دلیل پنج کورور است لهذا بنده پیشنهادی کنم که سه نفر داده شود.

رئیس - ده دقیقه تنفس داده خواهد شد ولی قبل عرض میکنم که - بند روز قبل خبر کرده بودم که کمیسیون فوائد عامه و کمیسیون خارجه برای دو لایحه که از وزارت خارجه فرستاده بودند منعقد شود ولی چون عده کافی نشده بود منعقد نشد و امروز از حالا اطلاع میدهم که عصری سه بفریب مانده کمیسیون منعقد میشود روز سه شنبه هم به مناسبت اینکه روز مولود اعلیحضرت همایونی است یک هفتگی باید حضور مبارک همایونی شرفیاب شود اگر مخالفی نباشد عده آن هفت د نفر باشد (هفت مزبور با قرعه ترتیب ذیل معین شد)

شرف العلماء - لسان الحكماء - وجد الملك - ضیاء الملك - ابوالقاسم میرزا - ارباب کبیر - آقا میرزا محمدصادق طباطبائی - حاج شیخ الرئیس سیدالاطباء - آقامیرزا قاسم خان

رئیس - چون برای بعضی از نمایندگان کار مهمی پیش آمده و باید بعضی نقاط بروند این است که اگر مخالفی نباشد مجلس را ختم میکنم و جلسه آینده را بروز پنجشنبه معول میکنم چون روز سه شنبه عید است و مجلس نخواهد بود (مجلس دو ساعت و ربع کتم قبل از ظهر ختم شد)

جلسه ۲۸۷ صورت مشروح روز سه شنبه ۲۹ شهر شعبان ۱۳۲۶

آقا میرزا مرتضی قلیخان نایب رئیس ساعت قبل از ظهر بصندلی ریاست جلوس نموده پس از یک ربع مجلس رسماً تشکیل شد

صورت جلسه قبل را آقای میرزا ابراهیم خان قرائت کردند غائبین جلسه قبل بدون اجازه آقای دکتر امیرخان حاج وکیل الرعایا اسدالله خان حاج امام جمعه کاشف .

غائبین با اجازه - آقا سید محمد باقر - حاج شیخ الرئیس - سید الاطباء - آقایانیکه از وقت مقرر تأخیر نموده اند معززالملك پیکساعت آقا سید محمد رضا مساوات - دمخدا - آقا میرزا فاسلخان اعتصام الملك ۵۰ دقیقه آقامیرزا ابراهیم نمی ۵ دقیقه طباطبائی ۴۰ دقیقه

نایب رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی هست (اظهاری نشد)

نایب رئیس صورت مجلس تصویب شد دستور امروز بقیه قانون انتخابات و رایورت کمیسیون بودجه راجع بمعلمین خارجه است ولی معاون وزارت معارف تقاضا نموده اند که رایورت کمیسیون بودجه راجع بتجدید کتترات معلمین مقدم شود اگر مخالفی نیست مقدم بنمایم

محمد هاشم میرزا - بنده قانون انتخابات را مقدم میدانم و باید که این قانون مقدم شود

نایب رئیس - قانون انتخابات هم خوانده میشود نهایت در مقدم و مؤخر بودن آن ها حرف است

معاون وزارت معارف - بنا بود که این لایحه کتترات معلمین خارجه روز شنبه گذشته جرم

دستور باشد و آقای رئیس هم تقاضا کردم که آن را مقدم بدارند و عده هم دادند امروز بنده هم تقاضا میکنم که مقدم شود

نایب رئیس - اگر آقایان قانع نشدند رأی میکنیم آقایانیکه تصویب میکنند رایورت کمیسیون بودجه مقدم باشد قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - با کثرت تصویب شد که مقدم شود

رایورت کمیسیون بودجه بعبارت ذیل قرائت شد: (رایورت کمیسیون بودجه راجع بکتترات و استخدام چند نفر معلم فرانسوی که بتقاضای وزارت علوم بکمیسیون بودجه ارجاع شده بود مطرح مذاکره گردید نظر بتوضیحاتی که معاون وزارت علوم درباره خدمات مرجوعه مسیولان دادند کمیسیون مطابق پیشنهاد وزیر کتترات ممنوی الیه رانیز تصویب نموده پیشنهاد مجلس شورای ملی مینماید

ماده اول - وزارت علوم و معارف مجاز است کتترات مسیولان معلم فیزیک و شیمی را از قرار پانزده هزار فرانک سالیانه و مسیو روائک معلم ریاضیات را از قرار ۱۲ هزار فرانک سالیانه برای مدت سه سال تجدید نماید

ماده ۲ - یک نفر معلم طب بجای دکتر زرر از قرار پانزده هزار فرانک سالیانه بدست سه سال استخدام نمایند

ماده ۳ - یک نفر معلم تاریخ طبیعی بجای دکتر کمیو بدست سه سال از قرار ۱۳ هزار فرانک سالیانه استخدام شود

نایب رئیس - رایورت کمیسیون معارف هم مطابق همین است مذاکره در کلیات است مخالفی هست بفرمائید

دکتر علیخان - این رایورت را که میفرمایند مطابق است با رایورت کمیسیون معارف خوبست رایورت کمیسیون معارف هم خوانده شود زیرا اقراات آن رایورت تنها کفایت نمیکند برای اینکه بعضی مذاکرات در کمیسیون معارف بود که در کمیسیون بودجه آنها کرات نشود برای یکی از معدین مثلا معین شهادت که علاوه یک چیز دیگر هم دارا باشد و همینطور برای معلم طب در کمیسیون معارف مذاکره شده است که کسی که برای طب آورده میشود ست (اگر هم داشته باشد که یکدیگر از معارف بالاتر است و در فرانسه هست مخصوصا باید ملتیش معلوم بشود و از فرانسه باشد همینطور که عرض کردم باید کسی که دارای ست اگر هم باشد خواسته شود و اینجا بهمین ترتیب که قرائت شد بگذرد و معلوم نیست که شرایطش چیست اینجا بنظر بنده در کمیسیون معارف مذاکره شد و قبول شده است بایست اضافه شود

نایب رئیس - رایورت کمیسیون معارف هم خوانده میشود (رایورت مزبور بعبارت ذیل قرائت شد) لایحه از هیئت وزرا مشتمل بر تقاضای وزارت معارف در تجدید کتترات و استخدام چند نفر معلم فرانسوی بمجلس شورای ملی رسیده و یک کمیسیون معارف ارجاع شده بود که عین آن از قرار ذیلست از طرف وزارت معارف و فوائد عامه و اوقاف لایحه که مشتمل بچهار ماده بود به هیئت وزراء عظام پیشنهاد پس از مذاکرات زیاد سه ماده ذیل با کثرت تصویب شد

۱- کتترات مسیو لانس معلم فیزیک و شیمی و مسیو روائک معلم ریاضیات برای ۵ سال مبلغ هر یک دوازده هزار فرانک بااضافه ۳ هزار فرانک برای مسیو لانس

۲- یک نفر معلم طب بجای دکتر زرر خواسته بود مبلغ ۱۵ هزار فرانک

۳- یک نفر معلم تاریخ طبیعی بجای دکتر کمیو خواسته شود به مبلغ دوازده هزار فرانک وزارت معارف و فوائد عامه و اوقاف میتواند این نوشته را بمجلس شورای ملی پیشنهاد نماید اصل لایحه مضی شده در کابینه ضبط است کمیسیون معارف پس از مذاکرات لازم کدر دو جلسه بعمل آورده معین تقاضای وزارت معارف را تصویب مینماید

حاج شیخ الرئیس - بنده ناچارم که اظهار تأسف خودم را عرض کنم که از آن وقتی که دارالفنون ایجاد شده از افکار عالی آن مرد بزرگ تاریخی گمان میکنم یعنی یقین دارم که نظر دور بین آن مرد بزرگ و کسانیکه پیروی افکار عالی آن مرد بزرگ را کرده اند این بود که از استخدام معلمین خارجه در علوم مفیده جدیده بیک وقت ملت ما و مملکت ما مستغنی میشوند باین معنی که طب ما بیک وقتی در مملکت ما بطوری ناقص بود که میتوان گفت طب المعجز بود لکن حالا با کمال خوشبختی و خوشوقتی بدون خودستایی و زمانه سازی در مملکت ما اطباء و دکترها طرز ترقی کرده اند که هیچ نمیتوان بگویم که مملو مات آن ها علما و عملا همینطور در فیزیک و شیمی کمتر از معلمین خارجه باشد مگر اینکه ولعیب منم غیر از اسلامیت و ایرائیت چیز دیگر در آن ها نبینیم بنا بر این بنده پاکلیه استخدام این معلمین و این مواد مخالف هم تصویب نمیکند و استدعا میکنم که استخدام معلمین یعنی مستخدمین خارجه را کلیه (بنده زبان قهقی عرض میکنم که بمتقاضی ضرورت است) و بالضرورة تقدر بقدرها و دیگر امروز لازم نیست برای فیزیک و شیمی وطب وسایر علوم متوجه محل حاجت مملکت است بیک معلم استخدام کنیم باین جهت - بنده پاکلیه این استخدام این مواد و تجدید کتترات آنها با کمال جدیت وضدیت مخالفت خود را اظهار میدارم و صلاح میدانم

معاون وزارت معارف - نظرات آقای حاج شیخ الرئیس را بنده تصدیق میکنم ولی عرض میکنم که آن موقع هنوز نرسیده است البته ایجاد دارالفنون برای همین بوده است که اینگونه اشخاص تهیه نمایند اگر تأمل بفرمایند این مسئله تا یک اندازه هم صورت گرفته است چنانچه امروز در خود دارالفنون اشخاصی هستند و امتحان داده اند و خیلی هم خوب از عهده آن علومیکه درس میدهند بر میآیند ولی هنوز بآن مراتبی که از وجود معلمین خارجه مستغنی باشیم نرسیده ایم بلکه برای این که درجات کاملتر بشود هنوز ما محتاج هستیم که تا چند سال دیگر از معلمین خارجه استفاده کنیم و نظر بآن درجه که میفرمایند باید برسد که معلمی بکنند باید معلمین خارجی داشته باشیم تا چند سال دیگر که خوب تشکیل بشوند و این عده معلمین خارجی داشته باشیم تا چند سال دیگر که خوب تشکیل بشوند و این عده معلمین که پیشنهاد شده است یک عده تازه و یک خرج تازه

برای دولت نیست این ها از سابق بوده اند منتھی کتترات آن ها تجدید میشود و یکی دو نفر از آنها قبل از آن که مدتشان تمام شود استعفاداده و رفته اند حالا عوض آن ها تقاضا شده است که مجلس اجازه بدهد استخدام شود بنده عرض میکنم که خیلی وجود این معلمین ضرورت دارد و لازم است و در حال از آنها نفع خواهیم بود

دکتر حمید میرزا - چون چند سالی این معلمین بوده اند اولاً باید بقیه هم که چند شاگرد نزد آنها تحصیل کرده اند و چه نتیجه داده اند حالا که شصت هزار فرانک باینها داده شده و میشود میآیند اینجا آیا زبان اینها زبان فرانسه است یا زبان فرانسه درس میدهند یا زبان فارسی و ترجمه بعد از اینکه اینها را دانستیم آن وقت باید بدانیم که این اندازه بآن ها پول میدهیم آیا شاگرد بهمین اندازه داریم که زبان و درس این ها را بفهمد یا خیر باید از پیش بدانیم که فلان مدت فلان قدر شاگرد حاضر است که زبان اینها را بداند و تحصیل نماید از این جهت توضیح بدهم که باطلاع مجلس و ملت رسیده باشد

معاون وزارت معارف - اگر چه در این مسئله توضیحات کافی در کمیسیون معارف در خدمت آقای دکتر حیر میرزا داده شده ولی باز عرض میکنم که این معلمین در این ۶۵ سال که داخل خدمت دولت بوده اند خوب زحمت کشیده اند و معلمین خوبی تربیت کرده اند اگر وقتی شود در ظرف این ۶۵ سال که اینها بوده اند معلمین طبی که بوده اند امروز خودشان طبیین و در افواج و سایر نقاط مشغول طبابت هستند اگر به پیشه فوراً تصدیق خواهید کرد که خیلی خوب تحصیلات طبی خود را تمام کرده اند از هر حیث از حیث علوم مقدماتی از حیث تحصیلات طبی هیچ دخلی بسایقین ندارند بعد از اینکه همین ضرورت تربیت کرده اند معلمین همینطور خواهند بود و معلم زیادی نخواهد بود که سردرس بفلان معلم صد نفر بنشینند و این دلیل این نخواهد بود که معلم لازم نیست و این عیبی نیست که معلم مثلا بد درس میدهند بلکه معلم که اندازه که باشد و لایق درس باشد همان اندازه کافی است و هیچ محتاج بکثرت عده نیست همان عده که هستند کافی است کیفیت لازم است نه کمیت ممکن است که صد نفر بروند درس گوش بگیرند و چندان مفیده نباشد برای آنها لکن اگر چند نفر باشد و انتفاعی بپرند بهتر است ولو اینکه ده نفر باشند یا هشت نفر باشند اینها نتیجه خود را خواهند برد بنده تصور میکنم که این بیک عیبی از برای اینکه معلمین خارجی لازم نیست نخواهد بود جماعتی هستند که از این معلمین منتفع خواهد شد و پیش خواهند رفت

نایب رئیس - مذاکرات گویا کافی باشد **دکتر حمید میرزا** - جواب بنده را فرمودند توضیح دارم

نایب رئیس - داخل مواد که شدم خواهند فرمود حالا رای میکنم که داخل مواد شوم آقایانی که تصویب میکنند داخل در مواد شوم قیام نمایند اغلب قیام نمودند

نایب رئیس - با کثرت تصویب شد ماده ۱ ماده اول بعبارت ذیل قرائت شد

ماده ۱ - وزارت علوم و معارف مجاز است کتترات مسیولان معلم فیزیک و شیمی را از قرار پانزده هزار فرانک سالیانه و مسیو روائک معلم ریاضیات را از قرار ۱۲ هزار فرانک سالیانه برای مدت سه سال تجدید نماید

دکتر اسمعیل خان - بنده از بابت معلم فیزیک و شیمی عرضی ندارم ولی از بابت معلم ریاضیات بنده تعجب میکنم پیشنهاد وزارت معارف را الان در مملکت ما ریاضیاتی که درس میدهند فقط هشت مقاله هندسه گفته میشود و جغرافیای دودرجه و ریاضیات دیگر که گفته میشود حساب و غیره است اینها همین چیزهاست که شاگرد های مدارس ماضیلی خوب میدانند و بهتر از هر اروپائی درس میدهند و از برای حال حاضر ما میتوانستیم درس بگویند و بنده این کتترات معلم ریاضی را هیچ لازم میدانم و همین شاگرد های مدارس که هستند بهتر از این بطریق اکمل درس میگویند ولی معلم فیزیک و شیمی را لازم میدانم

معاون وزارت معارف - برای توضیح خدمت آقای دکتر اسمعیل خان عرض میکنم در باب تحصیل خیلی متفاوت است این درجائیکه میفرمایند بله این اندازه تحصیل میکنند و این تحصیل عمومی است که در همه مدارس درس میدهند شاید معلم هم برای این درجات هست ولی نظر باین نیست که همیشه معلم برای هشت مقاله هندسه و چند درجه جبر و مقابله داشته باشیم امروز مقصود ما در استخدام او اینست که در جات علوم ریاضی را خیلی بالاتر ببرد و در مدارس ما کم کم آن درجات عالی تدریس شود بجهت اینکه تحصیلات ریاضی این برای دارالفنون است و دارالفنون را خیال داریم چنانچه لایحه اش پیشنهاد شده است درجات عالی برایش قرار بدهیم و آن قسمت تحصیلات ریاضی غیر از این ریاضی حالیه است که معمول است بعضی مسائلی که تا امروز هیچ مطرح نبوده است اینجا باید گفته شود و برای این که درجات ریاضی ما ترقی بکند البته باید یک معلمی که درجات ترقیش بیشتر باشد استخدام کنیم و این معلمی را که فرمودند لازم نیست تجدید کنیم کتترات او را در این چند سالی که بوده است ممکن است آن اشخاصی را که پیش او تحصیل کرده اند ملاحظه فرمائید که تحصیلاتشان هیچ ربطی بر ریاضیات سابق که معمول بوده ندارد بخصوص اینکه ماده هم علوم ریاضی است و ریاضی را باید از همه علوم مقدم داشت هر علومی که تحصیل شود مقدمه آن ریاضی است تحصیلات ریاضی را از همه علوم لازم تر است و امروز یک معلم ریاضی که مسائل تازه ریاضی را مذاکره میکنند کمال اهمیت را دارد و مخصوصاً باید در مدرسه دارالفنون بیک معلمی بهمین درجائیکه عرض کردم داخل بکنند که کم کم درجات علوم ریاضی بیشتر شود و این کمال اهمیت را دارد برای اینکه به نتیجه مقصود تحصیل برسیم البته همین معلمی که پیشنهاد شده است لازم داریم و گمان نمیکند سایر تحصیلات بی وجود صورت بگیرد

ماده ۱ - وزارت علوم و معارف مجاز است کتترات مسیو لانس معلم فیزیک و شیمی را از قرار ۱۵ هزار فرانک سالیانه و مسیو روائک معلم ریاضیات را از قرار ۱۲ هزار فرانک سالیانه برای مدت ۳ سال تجدید نماید

دکتر حمید میرزا - چون چند سالی این معلمین بوده اند اولاً باید بقیه هم که چند شاگرد نزد آنها تحصیل کرده اند و چه نتیجه داده اند حالا که شصت هزار فرانک باینها داده شده و میشود میآیند اینجا آیا زبان اینها زبان فرانسه است یا زبان فرانسه درس میدهند یا زبان فارسی و ترجمه بعد از اینکه اینها را دانستیم آن وقت باید بدانیم که این اندازه بآن ها پول میدهیم آیا شاگرد بهمین اندازه داریم که زبان و درس این ها را بفهمد یا خیر باید از پیش بدانیم که فلان مدت فلان قدر شاگرد حاضر است که زبان اینها را بداند و تحصیل نماید از این جهت توضیح بدهم که باطلاع مجلس و ملت رسیده باشد

معاون وزارت معارف - اگر چه در این مسئله توضیحات کافی در کمیسیون معارف در خدمت آقای دکتر اسمعیل خان عرض میکنم در باب تحصیل خیلی متفاوت است این درجائیکه میفرمایند بله این اندازه تحصیل میکنند و این تحصیل عمومی است که در همه مدارس درس میدهند شاید معلم هم برای این درجات هست ولی نظر باین نیست که همیشه معلم برای هشت مقاله هندسه و چند درجه جبر و مقابله داشته باشیم امروز مقصود ما در استخدام او اینست که در جات علوم ریاضی را خیلی بالاتر ببرد و در مدارس ما کم کم آن درجات عالی تدریس شود بجهت اینکه تحصیلات ریاضی این برای دارالفنون است و دارالفنون را خیال داریم چنانچه لایحه اش پیشنهاد شده است درجات عالی برایش قرار بدهیم و آن قسمت تحصیلات ریاضی غیر از این ریاضی حالیه است که معمول است بعضی مسائلی که تا امروز هیچ مطرح نبوده است اینجا باید گفته شود و برای این که درجات ریاضی ما ترقی بکند البته باید یک معلمی که درجات ترقیش بیشتر باشد استخدام کنیم و این معلمی را که فرمودند لازم نیست تجدید کنیم کتترات او را در این چند سالی که بوده است ممکن است آن اشخاصی را که پیش او تحصیل کرده اند ملاحظه فرمائید که تحصیلاتشان هیچ ربطی بر ریاضیات سابق که معمول بوده ندارد بخصوص اینکه ماده هم علوم ریاضی است و ریاضی را باید از همه علوم مقدم داشت هر علومی که تحصیل شود مقدمه آن ریاضی است تحصیلات ریاضی را از همه علوم لازم تر است و امروز یک معلم ریاضی که مسائل تازه ریاضی را مذاکره میکنند کمال اهمیت را دارد و مخصوصاً باید در مدرسه دارالفنون بیک معلمی بهمین درجائیکه عرض کردم داخل بکنند که کم کم درجات علوم ریاضی بیشتر شود و این کمال اهمیت را دارد برای اینکه به نتیجه مقصود تحصیل برسیم البته همین معلمی که پیشنهاد شده است لازم داریم و گمان نمیکند سایر تحصیلات بی وجود صورت بگیرد

معاون وزارت معارف - برای توضیح خدمت آقای دکتر اسمعیل خان عرض میکنم در باب تحصیل خیلی متفاوت است این درجائیکه میفرمایند بله این اندازه تحصیل میکنند و این تحصیل عمومی است که در همه مدارس درس میدهند شاید معلم هم برای این درجات هست ولی نظر باین نیست که همیشه معلم برای هشت مقاله هندسه و چند درجه جبر و مقابله داشته باشیم امروز مقصود ما در استخدام او اینست که در جات علوم ریاضی را خیلی بالاتر ببرد و در مدارس ما کم کم آن درجات عالی تدریس شود بجهت اینکه تحصیلات ریاضی این برای دارالفنون است و دارالفنون را خیال داریم چنانچه لایحه اش پیشنهاد شده است درجات عالی برایش قرار بدهیم و آن قسمت تحصیلات ریاضی غیر از این ریاضی حالیه است که معمول است بعضی مسائلی که تا امروز هیچ مطرح نبوده است اینجا باید گفته شود و برای این که درجات ریاضی ما ترقی بکند البته باید یک معلمی که درجات ترقیش بیشتر باشد استخدام کنیم و این معلمی را که فرمودند لازم نیست تجدید کنیم کتترات او را در این چند سالی که بوده است ممکن است آن اشخاصی را که پیش او تحصیل کرده اند ملاحظه فرمائید که تحصیلاتشان هیچ ربطی بر ریاضیات سابق که معمول بوده ندارد بخصوص اینکه ماده هم علوم ریاضی است و ریاضی را باید از همه علوم مقدم داشت هر علومی که تحصیل شود مقدمه آن ریاضی است تحصیلات ریاضی را از همه علوم لازم تر است و امروز یک معلم ریاضی که مسائل تازه ریاضی را مذاکره میکنند کمال اهمیت را دارد و مخصوصاً باید در مدرسه دارالفنون بیک معلمی بهمین درجائیکه عرض کردم داخل بکنند که کم کم درجات علوم ریاضی بیشتر شود و این کمال اهمیت را دارد برای اینکه به نتیجه مقصود تحصیل برسیم البته همین معلمی که پیشنهاد شده است لازم داریم و گمان نمیکند سایر تحصیلات بی وجود صورت بگیرد

حاج شیخ اسدالله - بنده در اینقره که سالیانه ۱۲ هزار فرانک نوشته است مخالفم و نمیدانم جهت چیست که باید بکنی سکه مملکت ما از بین برود و هر که را استخدام میکنند باید فرانک باشد زیرا هر کسی نمیداند که فرانک چقدر است ما سکه معمولی داریم چه ضرر دارد که همان سکه معمولی خودتان باشد و استدعا میکنم که فرانک را بقران تبدیل کنند

آقامیرزا احمد - بنده بیک سؤال مختصری دارم راجع بمسیو لانس و رایورت کمیسیون معارف دارد که از قرار ۱۲ هزار فرانک علاوه سه هزار فرانک برای مسیولان اینجا کلیه ۱۵ هزار فرانک نوشته شده آن سه هزار فرانک فوق العاده است که زائد بر آن اصل است اگر این ترتیب است توضیح بفرمائید که سابق چه میگرفته است و حالا چقدر اضافه میشود

معاون وزارت معارف - بله چون خیلی مختصر است همینجا عرض میکنم که همینطور است اینها یکی ۱۲ هزار فرانک داشته اند درسه سال پیشتر که اجیر شده اند ولی مسیولان که دو باره کتترات او تجدید میشود بعضی خدمات دیگر هم در معارف از قبیل کارهای تجزیه و ترکیبات شیمی کارهایی که وظیفه او نیست راجع باو خواهد شد با سانه

معاون وزارت معارف - بنده ناچارم که اظهار تأسف خودم را عرض کنم که از آن وقتی که دارالفنون ایجاد شده از افکار عالی آن مرد بزرگ تاریخی گمان میکنم یعنی یقین دارم که نظر دور بین آن مرد بزرگ و کسانیکه پیروی افکار عالی آن مرد بزرگ را کرده اند این بود که از استخدام معلمین خارجه در علوم مفیده جدیده بیک وقت ملت ما و مملکت ما مستغنی میشوند باین معنی که طب ما بیک وقتی در مملکت ما بطوری ناقص بود که میتوان گفت طب المعجز بود لکن حالا با کمال خوشبختی و خوشوقتی بدون خودستایی و زمانه سازی در مملکت ما اطباء و دکترها طرز ترقی کرده اند که هیچ نمیتوان بگویم که مملو مات آن ها علما و عملا همینطور در فیزیک و شیمی کمتر از معلمین خارجه باشد مگر اینکه ولعیب منم غیر از اسلامیت و ایرائیت چیز دیگر در آن ها نبینیم بنا بر این بنده پاکلیه استخدام این معلمین و این مواد مخالف هم تصویب نمیکند و استدعا میکنم که استخدام معلمین یعنی مستخدمین خارجه را کلیه (بنده زبان قهقی عرض میکنم که بمتقاضی ضرورت است) و بالضرورة تقدر بقدرها و دیگر امروز لازم نیست برای فیزیک و شیمی وطب وسایر علوم متوجه محل حاجت مملکت است بیک معلم استخدام کنیم باین جهت - بنده پاکلیه این استخدام این مواد و تجدید کتترات آنها با کمال جدیت وضدیت مخالفت خود را اظهار میدارم و صلاح میدانم

شیبانی - بنده تقاضا میکنم که بین مسیولان و مسیو روائک راتفتیک بکنید و طبعه رای بگیرید **دکتر حمید میرزا** - بنده ابتدا سؤالی کردم و جواب بنده را مطابق ندادند هیچ ربطی فرمایشتان بسؤال بنده نداشت زیرا بنده عرض کردم که زبان علمی آنها آیا فرانسه خواهد بود یا فارسی است و یا بواسطه ترجمه خواهد بود اینرا هیچ بنده جواب ندادند دوم هم عرض کردم که اینجا شاگردانی هستند که از برای او کافی باشد اینرا هم یک فرمایشی فرمودند که جواب بنده نبود بنده مخالف با معلم نیستم دو سؤال کردم هیچکدام را جواب ندادند والا در صورتیکه معلمین صحیحی باشند که آن قسمتی را که ما نمیتوانیم تعلیم بدهیم او تعلیم بدهد البته لازم است

معاون وزارت معارف - این سؤال جنابالی را بنده فراموش کردم که جواب عرض کنم و تصور میکنم که همه آقایان میدانند که معلم فرانسوی البته زبان فرانسوی درس خواهد داد و اشخاصیکه پیش آنها درس میخوانند متعنی هستند که بیک اندازه تحصیل کرده اند باز برای استحصار خاطر عموم آقایان عرض میکنم که این البته باید این طور هم باشد بجهت اینکه وقتی که معلمی را میخواهند از یک جایی بیآورند که درس بدهد باید زبان خودشان درس بدهد بجهت اینکه بتوسط مترجم درس دادن کار مشکلی است و بهتر اینست که معلم زبان خودش درس بدهد و آن ها هم زبان او درس بخوانند و گمان نمیکند که در این مسئله تردیدی باشد بجهت اینکه بخارجه هم که بروند زبان خارجه مجبورند که تحصیل بکنند حالا این یک وسیله ای است که در خود مملکت جماعتی بیشتر می تواند از او منتفع بشوند

حاج شیخ اسدالله - بنده در اینقره که سالیانه ۱۲ هزار فرانک نوشته است مخالفم و نمیدانم جهت چیست که باید بکنی سکه مملکت ما از بین برود و هر که را استخدام میکنند باید فرانک باشد زیرا هر کسی نمیداند که فرانک چقدر است ما سکه معمولی داریم چه ضرر دارد که همان سکه معمولی خودتان باشد و استدعا میکنم که فرانک را بقران تبدیل کنند

آقامیرزا احمد - بنده بیک سؤال مختصری دارم راجع بمسیو لانس و رایورت کمیسیون معارف دارد که از قرار ۱۲ هزار فرانک علاوه سه هزار فرانک برای مسیولان اینجا کلیه ۱۵ هزار فرانک نوشته شده آن سه هزار فرانک فوق العاده است که زائد بر آن اصل است اگر این ترتیب است توضیح بفرمائید که سابق چه میگرفته است و حالا چقدر اضافه میشود

معاون وزارت معارف - بنده ناچارم که اظهار تأسف خودم را عرض کنم که از آن وقتی که دارالفنون ایجاد شده از افکار عالی آن مرد بزرگ تاریخی گمان میکنم یعنی یقین دارم که نظر دور بین آن مرد بزرگ و کسانیکه پیروی افکار عالی آن مرد بزرگ را کرده اند این بود که از استخدام معلمین خارجه در علوم مفیده جدیده بیک وقت ملت ما و مملکت ما مستغنی میشوند باین معنی که طب ما بیک وقتی در مملکت ما بطوری ناقص بود که میتوان گفت طب المعجز بود لکن حالا با کمال خوشبختی و خوشوقتی بدون خودستایی و زمانه سازی در مملکت ما اطباء و دکترها طرز ترقی کرده اند که هیچ نمیتوان بگویم که مملو مات آن ها علما و عملا همینطور در فیزیک و شیمی کمتر از معلمین خارجه باشد مگر اینکه ولعیب منم غیر از اسلامیت و ایرائیت چیز دیگر در آن ها نبینیم بنا بر این بنده پاکلیه استخدام این معلمین و این مواد مخالف هم تصویب نمیکند و استدعا میکنم که استخدام معلمین یعنی مستخدمین خارجه را کلیه (بنده زبان قهقی عرض میکنم که بمتقاضی ضرورت است) و بالضرورة تقدر بقدرها و دیگر امروز لازم نیست برای فیزیک و شیمی وطب وسایر علوم متوجه محل حاجت مملکت است بیک معلم استخدام کنیم باین جهت - بنده پاکلیه این استخدام این مواد و تجدید کتترات آنها با کمال جدیت وضدیت مخالفت خود را اظهار میدارم و صلاح میدانم

معاون وزارت معارف - بنده ناچارم که اظهار تأسف خودم را عرض کنم که از آن وقتی که دارالفنون ایجاد شده از افکار عالی آن مرد بزرگ تاریخی گمان میکنم یعنی یقین دارم که نظر دور بین آن مرد بزرگ و کسانیکه پیروی افکار عالی آن مرد بزرگ را کرده اند این بود که از استخدام معلمین خارجه در علوم مفیده جدیده بیک وقت ملت ما و مملکت ما مستغنی میشوند باین معنی که طب ما بیک وقتی در مملکت ما بطوری ناقص بود که میتوان گفت طب المعجز بود لکن حالا با کمال خوشبختی و خوشوقتی بدون خودستایی و زمانه سازی در مملکت ما اطباء و دکترها طرز ترقی کرده اند که هیچ نمیتوان بگویم که مملو مات آن ها علما و عملا همینطور در فیزیک و شیمی کمتر از معلمین خارجه باشد مگر اینکه ولعیب منم غیر از اسلامیت و ایرائیت چیز دیگر در آن ها نبینیم بنا بر این بنده پاکلیه استخدام این معلمین و این مواد مخالف هم تصویب نمیکند و استدعا میکنم که استخدام معلمین یعنی مستخدمین خارجه را کلیه (بنده زبان قهقی عرض میکنم که بمتقاضی ضرورت است) و بالضرورة تقدر بقدرها و دیگر امروز لازم نیست برای فیزیک و شیمی وطب وسایر علوم متوجه محل حاجت مملکت است بیک معلم استخدام کنیم باین جهت - بنده پاکلیه این استخدام این مواد و تجدید کتترات آنها با کمال جدیت وضدیت مخالفت خود را اظهار میدارم و صلاح میدانم

که در سر مرض است حکیم کلینک را داشته باشد بنده عرض میکنم بجای دکتر ژرژ باید يك کسی را بیاوریم لازم نیست که اهل نظام باشد یا آدمیرا میتوانیم بیاوریم که حکم دکتر ژرژ را داشته باشد و گمان نمیکنم که هیچکس مخالف باشد که دکتر ژرژ طیب خوبی باشد بجهت اینکه همه کس میدانند که دکتر ژرژ عالم است و اگر بخواهیم معلم آگرزه بیاوریم باید با پنجاه هزار فرانک لاقبل بیاوریم بجهت اینکه ممکن نیست که يك معلم آگرزه را با یازده هزار فرانک استخدام کرد .

ذکاء الملک - این مذاکرات در کمیسیون معارف شده است احتمال دارد بهمین طوری که آقای دکتر سعید الاطیاف میفرمایند یک نفر طیب آگرزه بان میزان فرانک نباید و لکن مادر کمیسیون معارف که مذاکره کردیم بالاخره فرار بر این شد که باید این یک نفر آگرزه باشد بجهت اینکه اگر این معلم آگرزه نباشد و فقط یک نفر متعارف باشد آن وقت در ایران دکتر هائی داریم که محتاج باور بخواهیم بود و باید يك معلم آگرزه دیگری بیاوریم بجهت اینکه همینقدر که فرانسوی شده بشود او را استخدام کرد چونکه این شخص هم باید معلمی بکند در دارالفنون و هم خدمات دیگر بنا بر رجوع میشود اینست که باید آگرزه باشد در کمیسیون معارف هم مانع تصویب کردیم بهمین ملاحظاتی که باید یک نفر طیب آگرزه استخدام شود و الا از طیب های متعارف محل احتیاج ما نخواهد بود (مجدداً پیشنهاد آقای دکتر علیخان قرائت شد)

نایب رئیس - رای میگیریم آقایانیکه موافقت با این پیشنهادیکه از طرف کمیسیون هم قبول شده است قیام نمایند (اغلب قیام نمودند . تصویب شد .

ماده سوم از رایوت کمیسیون عبارت ذیل قرائت شد ماده ۳ - یک نفر معلم تاریخ طبیعی بجای دکتر کمیو بعدت سه سال از فرار ۱۲ هزار فرانک سالیانه استخدام میشود .

نایب رئیس - مخالفی نیست آقایانیکه موافقت قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد در کلمات مخالفی نیست ؟

حاج شیخعلی - این يك لایحه است که تقاضای یازده هزار تومان خرج میکند قایده این خرج این است که استفاده از علوم خارجه بکنیم البته محتاج هستیم و باید هم استفاده بکنیم اما نظراً اینست است که ببینیم که از این طریق بهتر میتوان استفاده کرد یا از طریق دیگر و آن اینست که ما چهار نفر معلم از اروپا بیاوریم و یازده هزار تومان بآن ها مواج بدیم که آن ها دعوض همان ابتدائی هائیرا که معلمین خودمان میتوانند تدریس بکنند همان را خواهند کرد بواسطه آنکه بالا تر از آن را کسی نباید یاد بگیرد و استفاده بکنند مثل آقای دکتر علیخان یا امثال ایشان که بالاتر از این متعلمین ما هستند و این متعلمین ما باین درجه نیستند که بتوانند استفاده بکنند از آن ها این ها همان درجه ابتدائی را که معلمین خودمان میتوانند درس بدهند فقط استفاده خواهند کرد عقیده بنده اینست که در عوض اینکه چهار نفر را یازده هزار تومان که

بباید اینجا و در آخر نتیجه این باشد که جزمین ابتدائی تدریس نخواهد شد و جز اینکه معارف خارجه را ترویج کنیم قایده دیگری نخواهیم برد بهتر این است که این متعلمین با همین خرج تشریف ببرند خارجه و برسد بدرجه معلمی بعد از آن که آن ها آن جا بدرجه معلمی رسیده باینست در ایران و جمیع آن معلومات خودشان را بفارسی ترجمه و تدریس بکنند و این ترتیب قایده اش برای ما بهتر خواهد بود نه اینکه چهار نفر باینست اینجا در سال یازده هزار تومان بگیرند و فرانسه یا آلمان یا انگلیسی درس بدهند در حال بنده با این کلمات مخالفم و باینجهت است که رای نخواهم داد

ذکاء الملک - اولاً در باب اینکه مامعارف خارجه را چرا باید تعمیم کنیم آنرا جواب سابقاً عرض کردم اما در خصوص اینکه این معلمین دروس ابتدائی را که خودمان میتوانیم درس بدیم آنها هم همین را در صورتیکه کمیسیون معارف هم از ترتیب معارف ایران و هم از مدارس ایران بخوبی اطلاع دارند و اما اینکه ما از اینجا بفرستیم عده از شاگردان را به آنجا اینرا تشریف داشتند در مجلس که در چندی قبل در زمان وزارت علوم آقای حکیم الملک بود که که لایحه پیشنهاد نمودند که از برای اعزام یکصد شاگرد بخارجه و اینکار باید بشود یعنی هم از اینجا باید بروند تحصیل معلمی بکنند و ما را مستغنی بکنند از استخدام معلمین خارجه و هم ماسادامیکه آنها نیامده اند باید ما از فرنگستان معلم بیاوریم و ناچار هستیم مادام که اینرا اینها خودمان مراجعت نکرده اند و نمیتوانند مثل فرنگیها تدریس بکنند از فرنگیها بیاوریم لکن عرض کردم بطوریکه مسوق هستند وزارت معارف پیشنهاد کرد اعزام یکصد شاگرد را از جوانان ایرانی همین اوقات خواهند رفت و بعد از دوسه سال دیگر مراجعت میکنند و ما را مستغنی میکنند از استخدام معلمین اروپائی ولی عجلانستغنی نیستیم و باید استخدام شوند .

آقای میرزا ابراهیم قمی - بنده با این ترتیبی که اواخر در دارالفنون بوده است بکلی مخالفم بجهت اینکه چندین سال است دارالفنون تاسیس شده است و بعوض اینکه ترفیقات مسابقت کرده باشد دارالفنون بعکس حرکت قهرائی کرده است و سابقاً در اینجا شاگرد بیشتر سرفی میکرد از این اواخر کبنده با این وضع که دارالفنون دارد بکلی مخالفم و عقیده ام اینست که تمام این پولهاش که صرف دارالفنون میشود بهتر داده میشود مگر وقتیکه يك نفر برای اداره کردن وزارت معارف استخدام بکنند و یک نفر هم برای اداره کردن مدرسه دارالفنون استخدام بکنند و این پولها را صرف مدارس ابتدائی بکنند بهتر است و با شاهزاده دکتر حیر میرزا موافقم که علوم را باید بزبان فارسی تحصیل بکنند .

معزز الملک - بنده بنده تایید میکنم فرمایشات ایشانرا که دارالفنون وضعش بد شده است ولی بد بودن وضع دارالفنون را نمیگوید دلیل فرار داد برای عدم تجدید کلمات معلمین دارالفنون یا استناد بآنها داد شاید علت بنی دارالفنون هم راجع بوزارت علوم یا يك اداره دیگری باشد ولی این که باین جهت نباید معلمین اروپائی استخدام

شود درست نیست مثل اینست که بگوئید اگر معلمین اروپائی استخدام نشوند وضع مدرسه خوب میشود پس ما باید هم معلم استخدام بکنیم هم آقایانیکه جدی دارند در اصلاح دارالفنون باید يك اصراری بکنند بوزارت معارف که وضع مدرسه دارالفنون را اصلاح بکنند و این که میفرمایند تحصیلات بزبان فارسی باشد این البته خیلی خوب چیزی است و البته هر ماتی میل دارد که زبانیکه تعلیم میشود زبان خودش باشد ولی این چه وقت ممکن است وقتیکه ابتداء يك چیزی برای خودش تهیه کرده باشد که بعد بتواند بزبان خودش تدریس بکنند ما هنوز کسیرا که بتواند بزبان خودمان آن علوم را تدریس بکند نداریم و برای همین است که این معلمین را از خارجه میآوریم که بلکه کسانی تهیه بکنیم پس از این که متعلمین ما حاضر شدند و لایق معلمی شدند بنده شما را مطمئن میدهم که دیگر بزبان فرانسه تدریس نخواهد شد ولی ادام که شما معلمین فرانسوی داشته باشید البته آن معلمین بزبان فرانسه درس خواهند داد

نایب رئیس - رای میگیریم در کلیه این قانون که سه ماده است و ماده اولش ۲ جزه باشد يك جزه آن تصویب شد و يك جزه آن بلا تکلیف ماند آقایانیکه تصویب میکنند این قانون را بطوری که خوانده شد و رفته سفید خواهند انداخت آقایانی که تصویب نمیکنند روزه کبود خواهند انداخت .

در این موقع شروع به تدریس شده آقای حاج میرزا رضاخان اوراق رای را بعد ذیل احصا نمود و رفته سفید ۴۴ و روزه آبی ۴ .

نایب رئیس - با اکثریت چهل و چهار رای تصویب شد حالا بکریغ تنفس داده میشود . (مجدداً ۵ دقیقه قبل از ظهر جلسه تشکیل شد)

نایب رئیس - شور در بقیه قانون انتخابات است (بترتیب ذیل قرائت شد) کاشان - کاشان آران - یزد - نوش آباد - علی آباد - نصر آباد - محمد - آباد - مشکان - یزد - محمود آباد - طاهر آباد -

راوند - فراق - قین علیا و سفلی - جوشقان - قالی و توابع - یک نفر .

حاج سید ابراهیم - کاشان و نظنظرا خوب بود دو نفر میباشند و انجمن جزه آن را متعدد قرار میدادند .

شیخالی - حالا در حوزه بندیهای ولایات که باهم شباهت ندارد عرض نمیکنم زیرا که در اینباب آقایان فرموده اند و کلیه در موضوع کاشان عرض میکنم که در سال گذشته در ماه رمضان يك سرشماری در کاشان کرده اند کاشان پنجاه و يك ده دارد و یکصد و سی هزار جمعیت او را شماره کردند در صو نیکه دهات کوچک و مزارع کوچک را هیچ بحساب نیاورده بودند و قرار داده بودند که آنجاها را هم شماره بکنند بعد اعلان نمایند اینهم يك مقدار زیادی علاوه میشود گویا موفق نشدند و نظنظرا هم قریب پنجاه شصت هزار جمعیت دارد و جوشقان هم بیست سی هزار که روی هم این سه محل دست و چهل الهی پنجاه هزار جمعیت دارد و آن وقت به این سه محل دوتفر و کبیل دادند البته آقایان تصدیق خواهند فرمود که این کم است و در این دوره که حالا آخر میشود صد و بیست نفر و کبیل داشتیم دو

نفر داده بودند بکاشان و در این دوره آتیه که يك صد و پنجاه و دو نفر عده نمایندگان میشود باز هم دوتفر نماینده بکاشان داده اند و البته این میزانی که ما در دست گرفتیم که بهر صد هزار یک نفر نماینده داده شود آنوقت ترتیب خیلی بی انصافی میشود که نقطه که دارای دویست و پنجاه هزار جمعیت است و در واقع سه نقطه است که مریک جمعیت زیادی دارد و مسافران هم از هم خیلی زیاد است باینها رویهم رفته دو و کبیل بدهند باین ترتیب البته یکی ازین نقاطش محروم از نماینده خواهد شد از اینجهت بنده پیشنهاد کرده ام که بنظرت و اردستان که بالغ صد هزار جمعیتشان میشود با حول و حوش این نقاط يك نماینده داده شود و بکاشان و جوشقان هم دو نفر و کبیل داده شود و تقاضا میکنم که آقایان در این کار دقت بفرمایند که به ترتیبی که در این حوزه بندی نوشته شده خیلی بی انصافی میشود و اسباب شکایت اهالی کاشان هم خواهد شد اینست که این پیشنهاد را تقدیم میکنم .

نایب رئیس - پیشنهاد را میفرستیم بکمیسیون **محمد شاه میرزا** - اینکه آقای شبانی فرمودند که کاشان از روی تحقیق یکصد و سی هزار جمعیت دارد و نظنظرا و توابعش پنجاه هزار جمعیت دارد و باین نقاط دیگرش هم هفتاد هزار میشود که رویهم رفته دویست و پنجاه هزار جمعیت کاشان و توابع او است در جامای دیگر هم که گفته صد هزار جمعیت دارد و يك نماینده بآنها دادند از روی حتم معلوم نشده است که صد هزار جمعیت داشته است بدون پنجاه نفر زیاد یا کم البته همینطور اختلافات درین بوده است بعضی جاها بوده که صد و چهل هزار جمعیت داشته و یک نفر و کبیل بآنها داده اند بعضی جاها بوده که نود هزار جمعیت داشته و يك نماینده بآنها داده اند البته نود هزار را هم نشود محروم کرد و بنده ما دوتفر و کبیل موافقم دیگر آنکه در این حوزه بندی کاشان اسم دهات برده شده اگر بنا شود در هر شهری که اسم دهات آن برده شود این بکلی از سبک سایر نقاط نظامنامه خارج میشود البته باید جاهاییکه محل بزرگ دارد و ممکن نیست بشهر بیایند بواسطه بعد مسافت آنها را باید اسم ببرند و الا اگر بنا شود دهات را اسم ببرند گویا هر شهری چهارصد یا صد سصد باختلاف ده داشته باشد آن وقت اگر بخواهیم تمام آنها را اسم ببریم و مذاکره بکلی از ترتیب حوزه بندی خارج میشود .

نایب رئیس - مذاکره کافی است محل انجمن جزه محل انجمن جزه - کاشان - آران - علی آباد - یزد - راوند - قین - جوشقان - اظهار مخالفتی نشد (محل انجمن مرگزی - کاشان (ایضاً اظهار مخالفتی نشد) قصر - خرمدره - ابو یزید آباد بزرگ - مرق و ساویان - واسق آباد و سده جوشقان و استرک و نیاسر و یاروق و توابع - نظنظرا و توابع - یک نفر .

نایب رئیس - مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد) محل انجمن جزه - قصر بزرگ - نیاسر طرق (اظهار مخالفتی نشد) .

محل انجمن مرگزی - کاشان -

ایضاً اظهار مخالفتی نشد .

محل انجمن مرگزی - کاشان -

ایضاً اظهار مخالفتی نشد .

عده نمایندگان کل - دوتفر . ساوه - وزرند - ساوه - زرنده - خلیجستان - خرقان - ساوه - یک نفر مخالفی نبود .

محل انجمن جزه - ساوه - زاویه - خلیجستان ایضاً مخالفتی نبود محل انجمن مرگزی - ساوه (اظهار مخالفتی نشد) عده نمایندگان یک نفر (ایضاً مخالفتی نشد) اصفهان . یزو . حجا . قهاب . کوراج . بر آون بر خوار . مارین عده نمایندگان ۴ نفر .

نایب رئیس - مخالفی هست (اظهاری نشد) محل انجمن جزه - اصفهان . جلفا . خوراسکان چورت . دشتی . زناد . غیر . سده . (ایضاً اظهار مخالفتی نشد) . محل انجمن مرگزی اصفهان (مخالفی نبود) .

فرین . چهار محل . یک نفر (اظهار مخالفتی نشد) محل انجمن جزه . داران . دهکرد محل انجمن مرگزی . اصفهان . کردن . لنجان . دمق نجف آباد . یک نفر محل انجمن جزه . طهران کردن . زیرمارک . دمق . علوی . نجف آباد (مخالفتی نبود) محل انجمن مرگزی - اصفهان .

حاج سید ابراهیم - در تمام این نقاط انجمن مرگزی را اصفهان قرار داده اند و حال اینکه کرا را مذاکره شد در اینجا که انجمن مرگزی بهیچوجه مداخله در عملیات انتخابات ندارد در این صورت انجمن مرگزی را در اصفهان قرار دادن و یکی از نقاط مهمه آنجا را مثل نجف آباد هیچ اهمیت ندادن صحیح نیست بهترین است که انجمن مرگزی هر حوزه انتخابیه را در خود حوزه قرار دهند و در اینجا خوب است انجمن مرگزی را در خود نجف آباد قرار دهند .

حاج عز الممالک - این مسئله اینجا مکرر گفته شد و دلیلش هم گفته شد اینکه اینجا انجمن مرگزی معین شده است بجهت اینست که این نقاط نسبت بهیچ نقطه دیگر برتری ندارد و همینطور در سایر نقاط وقتی که می بینیم چند نقطه است که در رای انجمن جزه است و يك انجمن مرگزی بآنها داده اند می بینم که درین نقاط چون يك نقطه دیگری نیست که نسبت بسایرین برتری داشته باشد اینست که انجمن مرگزی را در آن نقطه معین کرده اند که نسبت بهمه برتری داشته است باینجهت بوده است که در اینجاها هم مرکزیت را باصفهان داده اند و الا اگر این ملاحظه نبود میتوانستند مریک از نمایندگان يك پیشنهادی بکنند و انجمن مرگزی را در يك نقطه دیگری تقاضا بکنند که قرار داده شود لکن اگر پیشنهاد میکردیم میدیدیم که نجف آباد بسیار نقاط يك مزیت و برتری ندارد که در آنجا انجمن مرگزی تشکیل شود پس اولی واسب این بود که در نقاطی که نسبت بیکدیگر مساوی و در عرض هم واقع هستند انجمن مرگزی را قرار ندهند و در يك نقطه انجمن مرگزی را قرار بدهند که نسبت بآن نقاط يك ترجیحی داشته باشد و نسبت بآنها مرکزیت داشته باشد آنوقت از برای انجمن مرگزی هم غیر از يك نظارت و اخذ نتیجه آراء تکلیفی قرار ندادیم و با اعتقاد بنده اگر انجمن مرگزی برای نقاط قرار ندهیم این اسباب این خواهد شد که همانجا که

حاج سید ابراهیم - بنده می بینم که در این حوزه بندیها ملاحظه وحدت حکومت در حوزه انتخابیه نشده و نشود و عده نظر بامکان جمع شدن در وقت انتخاب است بنا بر این عرض میکنم و میبینم که ابرقو را جزء اصفهان قرار دادند در موونی که فاصله او باصفهان زیاد بر چهل فرسخ است صحیح نیست و ابرقو نزدیک به آباد شیراز است و چون ملاحظه وحدت حکومت شرط نیست بهتر این است که جزء آباده قرار دهند و بر عده نمایندگان آن نواحی بیفزایند و چون از یزد و اصفهان هر دو دور است هیچ صحیح نیست که جزء یزد باشد جزو اصفهان اسب و اسهل جزء حوزه انتخابیه آباده بودن

انجمن مرگزی در آنجا تشکیل میشود انتخاب خواهند کرد و سایر نقاط جزه بکلی از انتخاب محروم میمانند بجهت اینکه هیچ شهبه ندارد که يك نقطه کوچکی که اعلان انتخاب کرد حکومت دیگر که در عرض او است برای اینکه جزء آنجا نباشد اطاعت نخواهد کرد و از آن نقاط جزه دیگر باین نقطه کسی نیاید که رای بدهد پس همیشه باید يك انجمن مرگزی در هر آن نقطه مثلاً مثل اصفهان که نسبت بتمام این نقاط شهر است تشکیل شود تا اینکه تمام این نقاط که نسبت باصفهان جزء هستند و مطیع هستند اطاعت بکنند و انتخاب بکنند بعد نتیجه انتخاب را همان انجمن مرگزی معلوم کند .

معزز الملک - آنچه هست که آقای حاج عز الممالک فرمودند بقرینه بنده با تشکیل انجمن مرگزی در يك نقطه مهم یا غیر مهم هیچ فرق نکند بجهت اینکه اگر يك محل غیر مهمی بخواهند در محل خودشان انتخاب بکنند چون انجمن مرگزی هیچ نمیتواند جلو گیری بکند که سایر نقاط از انتخاب محروم نباشند محروم ماندن یا محروم نماندن يك حوزه انتخابیه فقط منوط بصحیات اهالی آنجا است اگر مردم يك حس اشتراکی داشته باشند که بدانند جزء این حوزه انتخابیه هستند و باید یک نفر را انتخاب بکنند و تمام حوزه انتخابیه بخواهند در يك کانیدا های معینی رای بدهند این قایده خواهد داشت ولی اگر بنا انجمن مرگزی معین بکنند چه نکند هیچ فرق نیست این سه بصیات مرده است ولی در کلبه حوزه های انتخابیه که دارای چندین نقطه است باید دانست که نماینده که میآید نماینده يك نقطه خواهد بود و چندان فرق نخواهد کرد .

نایب رئیس - مذاکرات گویا کافی باشد بقیه را بخوانید - اردستان - مهاباد - قهپایه - رویه شین - یک نفر .

شیخالی - اردستان را بطوریکه عرض کردم با نظنظرا خاک هستند و قرب جوار هم دارند یکجا قرار بدهند بهتر است و الا حقوق نظنظرا با مال میشود در خصوص حوزه بندی هم عرض کردم که اینها هیچ شباهت بهم ندارد و سایر آقایان هم فرمودند که این شهرها هیچ نسبت بیکدیگر ندارند محل انجمن جزه - اردستان - زواره - مهاباد زیر - جوشقان - وزنه

محل انجمن مرگزی اصفهان (مخالفتی نبود) جرقریه - سپرم - نمشه - ابرنو - یک نفر

حاج سید ابراهیم - بنده می بینم که در این حوزه بندیها ملاحظه وحدت حکومت در حوزه انتخابیه نشده و نشود و عده نظر بامکان جمع شدن در وقت انتخاب است بنا بر این عرض میکنم و میبینم که ابرقو را جزء اصفهان قرار دادند در موونی که فاصله او باصفهان زیاد بر چهل فرسخ است صحیح نیست و ابرقو نزدیک به آباد شیراز است و چون ملاحظه وحدت حکومت شرط نیست بهتر این است که جزء آباده قرار دهند و بر عده نمایندگان آن نواحی بیفزایند و چون از یزد و اصفهان هر دو دور است هیچ صحیح نیست که جزء یزد باشد جزو اصفهان اسب و اسهل جزء حوزه انتخابیه آباده بودن